

از اعتماد و آموزش نسلی تا اقدام‌های اقلیمی؛ شواهد تجربی جهانی درباره شکل‌گیری باورها و سیاست‌های اقلیمی

لی هوانگ وو*

دانشکده تجارت و گردشگری، دانشگاه مالی-بازاریابی، شهر هوشی‌مین، ویتنام.

مشخصات مقاله	چکیده
مقاله پژوهشی موضوع: میان‌رشته‌ای حوزه موضوعی: مطالعات کشورها	حملیت عمومی از اقدام‌های اقلیمی، نه‌تنها به انگیزه‌ها و اطلاعات اقتصادی، بلکه به بنیان‌های اجتماعی و نهادی عمیق‌تری نیز بستگی دارد. در این پژوهش بررسی شده است که چگونه اعتماد، برداشت افراد از تغییرات اقلیمی و تمایل آن‌ها را به حمایت از سیاست‌های کاهش‌ی شکل می‌دهد، به‌ویژه از طریق مالیات‌های محیط‌زیستی بیشتر. با استفاده از داده‌های سطح فردی از دور چهارم نظرسنجی «زندگی در گذار»، همراه با شاخص‌های اقتصاد کلان کشوری از بانک جهانی، در این تحلیل ۳۷ کشور از ۲۰۲۲ تا ۲۰۲۳ بررسی شد. مدل‌های پلایه راجا استفاده از حداقل مربعات معمولی (OLS) تخمین زدیم. همه برازش‌ها بر اساس جمعیت ملی وزن‌دهی شدتاً از نمایندگی بین‌کشوری اطمینان حاصل شود. یکی از سهم‌های مهم در این مطالعه، تمایز بین اعتماد تعمیم‌یافته و اعتماد نهادی چندسطحی، از جمله اعتماد به ریاست‌جمهوری، دولت مرکزی، دولت منطقه‌ای و دولت محلی است. نتایج نشان می‌دهد هر دو شکل اعتماد، به‌طور مثبت و قوی با باورهای قوی‌تر، مبتنی بر واقعی بودن تغییرات اقلیمی و بیشتر ناشی از فعالیت‌های انسانی، همچنین با تمایل بیشتر به حمایت از مالیات محیط‌زیستی مرتبط است. اعتماد نهادی، به‌طور خاص، رابطه قوی‌تری با حمایت از سیاست‌ها نشان می‌دهد و نقش محوری آن را در شکل‌دهی به پذیرش اقدام‌های اقلیمی پرهزینه از نظر مالی برجسته می‌کند. فراتر از اعتماد، بر پایه یافته‌ها، بیشتر بر اهمیت آموزش بین‌نسلی تأکید می‌شود. تحصیلات مادران ارتباط قوی‌تری با ادراک‌های اقلیمی دارد، درحالی‌که تحصیلات پدران ارتباط نزدیک‌تری راجا تحلیل به پرداخت هزینه برای سیاست‌های محیط‌زیستی نشان می‌دهد که معرف مسیرهای انتقال متمایز مبتنی بر خانواده است.
تاریخ دریافت: ۱۴۰۵/۰۱/۲۳ تاریخ بازنگری: ۱۴۰۵/۰۱/۲۷ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۵/۰۱/۲۹ تاریخ انتشار: ۱۴۰۵/۰۲/۰۷	
واژگان کلیدی: اقدام‌های اقلیمی، اعتماد تعمیم‌یافته، اعتماد نهادی، آموزش نسلی، باور اقلیمی.	

ارجاع به این مقاله: وو ل. (۱۴۰۶). «از اعتماد و آموزش نسلی تا اقدام‌های اقلیمی؛ شواهد تجربی جهانی درباره شکل‌گیری باورها و سیاست‌های اقلیمی». *مطالعات کشورها*. ۵(۱): ۱۶۱-۱۹۴. doi: <https://doi.org/10.22059/jcountst.2026.412631.1465>



وبگاه: <https://jcountst.ut.ac.ir> | رایانامه: jcountst@ut.ac.ir
 شابای الکترونیکی: ۹۱۹۳-۲۹۸۰ | ناشر: دانشگاه تهران

<https://orcid.org/0000-0003-4948-8863> lyhoangvu@ufm.edu.vn

۱. مقدمه

اعتماد به‌طور گسترده ستون اصلی تعامل اجتماعی و اقدام جمعی شناخته می‌شود. این امر نشان‌دهنده تمایل به پذیرش آسیب‌پذیری بر اساس انتظارات مثبت درباره نیت و رفتار دیگران است (Rousseau et al., 1998). اعتماد با کاهش عدم قطعیت و تسهیل همکاری، افراد و جوامع را قادر می‌سازد تا در زمینه‌های خطرهای مشترک ولی با انگیزه‌های ناهمگون احتمالی، اقدام‌های خود را هماهنگ کنند. این عملکرد، به‌ویژه در پرداختن به تغییرات اقلیمی بسیار مهم است؛ مشکلی جهانی و مستلزم اقدام جمعی که با افق‌های زمانی بلندمدت، مزایای پراکنده و هزینه‌های فوری و توزیع ناهموار مشخص می‌شود. کاهش مؤثر تغییرات اقلیمی نه تنها نیازمند اجماع علمی، بلکه نیازمند اجماع و حتی نیازمند حمایت گسترده عمومی از سیاست‌هایی است که اغلب فداکاری‌های اقتصادی کوتاه‌مدتی را به دستاوردهای محیط‌زیستی بلندمدت تحمیل می‌کند.

در شمار چشمگیری از پژوهش‌ها، اهمیت اقتصادی و اجتماعی اعتماد برجسته شده است. در سطح کلان، سطوح بالاتر اعتماد با رشد اقتصادی بیشتر، نهادهای کارآمدتر و رشد مالی عمیق‌تر مرتبط است (Knack & Keefer, 1997; Algan & Cahuc, 2010). در سطح خرد و سازمانی، اعتماد همکاری را ارتقا و رفتارهای فرصت‌طلبانه را کاهش می‌دهد و روابط بلندمدت را تقویت می‌کند (Gulati, 1995; Das & Teng, 1998). اخیراً، توجه‌ها به نقش اعتماد در پیامدهای محیط‌زیستی و اقلیمی معطوف شده است. افرادی که در سطوح بالاتری از اعتماد قرار دارند، بیشتر احتمال دارد که در رفتارهای طرفدار محیط‌زیستی مشارکت، از اقدام‌های حفاظت از محیط‌زیست حمایت و سیاست‌هایی را تأیید کنند که هزینه‌های شخصی در پی داشته باشد (Fairbrother, 2016; Irwin & Berigan, 2013). شواهد بین‌کشوری همچنین، نشان می‌دهد که اعتماد به کاهش انتشار گازهای گلخانه‌ای کمک و همکاری‌های بین‌المللی را در زمینه آب‌وهوا تسهیل می‌کند (Carattini et al., 2015).

با تمامی این پیشرفت‌ها، شکاف‌های عمیقی در درک چگونگی شکل‌گیری نگرش اقلیمی همچنان مطرح است. در بسیاری از متون پژوهشی موجود یا بر رفتارهای فردی تمرکز شده است، مانند بازیافت یا صرفه‌جویی در مصرف انرژی، یا بر نتایج کلی ملی؛ بی‌آنکه به‌طور مشترک بررسی شده باشد که چگونه اعتماد بر باورهای اقلیمی و حمایت از سیاست‌های پرهزینه کاهش گازهای گلخانه‌ای

تأثیر می‌گذارد. نباید فراموش کرد که این تمایز بسیار مهم است. پذیرش واقعیت علمی تغییرات اقلیمی لزوماً به حمایت از سیاست‌هایی منجر نمی‌شود که بار مالی تحمیلی دارند، از جمله مالیات‌های محیط‌زیستی یا قیمت‌گذاری کربن. بنابراین، سازوکارهای زیربنایی شکل‌گیری باور و حمایت از سیاست‌ها ممکن است از منظرهای مهم متفاوت باشد. محدودیتی مرتبط، تمایز ناکافی میان انواع مختلف اعتماد است. اعتماد تعمیم‌یافته که به‌طور کلی اعتماد به مردم تعریف می‌شود، منعکس‌کننده انتظارات و هنجارهای اجتماعی وسیع است (Uslaner, 2002; Hooghe et al., 2015; van der Meer, 2007; Bjørnskov, 2008). در مقابل، اعتماد نهادی به اعتماد به مقام‌های سیاسی و نهادهای عمومی اشاره دارد (Hooghe et al., 2015; van der Meer, 2007; Kaasa & Andriani, 2022; Goodhart & Vu, 2024; & Hakhverdian, 2017; 2026a). این دو بُعد اعتماد از نظر مفهومی و تجربی از هم متمایز هستند و ممکن است از جنبه‌های مختلف بر نگرش‌های اقلیمی تأثیر داشته باشند. اعتماد تعمیم‌یافته ممکن است دستیابی به اطلاعات علمی انتزاعی و مسئولیت جمعی را تسهیل کند، در حالی که اعتماد نهادی ممکن است به ارتباط مستقیم‌تری با اعتماد به نفس در طراحی، اجرای سیاست‌ها و استفاده منصفانه از منابع عمومی مربوط باشد. با این حال، در معدود مطالعات بین‌کشوری به‌طور روشنند این تمایزها در زمینه تغییرات اقلیمی بررسی شده است.

همچنین، نگرش‌های اقلیمی برآمده از بسترهای اجتماعی، تاریخی و اقتصادی وسیع‌تری است که در پژوهش‌های تطبیقی کمتر بررسی شده است. نخست آنکه آموزش بین‌نسلی ممکن است با اجتماعی‌شدن در اوایل زندگی و انتقال ارزش‌ها در خانواده‌ها، درک اقلیمی را شکل دهد. مدارج تحصیلی والدین، به‌خصوص مادران و پدران از طریق مسیرهای متمایز، ممکن است هم بر اشراف شناختی و هم بر نگرش به مسئولیت جمعی تأثیر داشته باشد. دوم، میراث‌های نهادی تاریخی ممکن است الگوهای پایداری از اعتماد یا شک و تردید را ایجاد کند. به‌طور خاص، در جوامعی که بر پایه نظام‌های اطلاعاتی متمرکز و علم سیاست پایه‌گذاری شده‌اند، ممکن است بی‌اعتمادی طولانی‌مدت به روایت‌های رسمی و دانش تخصصی بروز یابد. سوم، شرایط کلان اقتصادی، به‌ویژه تورم، ممکن است با تغییر تمرکز بر نگرانی‌های اقتصادی فوری و دورشدن از خطرهای محیط‌زیستی بلندمدت، بر نگرش اقلیمی تأثیر بگذارد. این عوامل زمینه‌ای معرف آن است که باورهای اقلیمی و ترجیح‌های سیاسی صرفاً بر پایه اطلاعات یا درآمد تعیین نمی‌شود، بلکه نیروهای ساختاری عمیق‌تری نیز مطرح هستند.

در متون پژوهشی، نقش‌های مهم اعتماد، آموزش و عوامل زمینه‌ای در شکل‌دهی به نگرش‌های اقلیمی مهم شناخته شده است. با این حال، چند شکاف کلیدی همچنان مطرح است. نخست آنکه در پژوهش‌های موجود معمولاً اعتماد عمومی یا اعتماد نهادی جدا بررسی شده است، بی‌آنکه به‌طور مشترک، آثار متمایز و مکمل آن‌ها تجزیه و تحلیل شود. دوم، شواهد بین‌کشوری محدودی گواه آن است که سطوح مختلف اعتماد نهادی از مقام‌های ملی تا محلی در چارچوب تحلیلی واحدی ادغام شده باشند. سوم، نقش آموزش بین‌نسلی و عوامل ساختاری گسترده‌تر، از جمله میراث تاریخی و شرایط اقتصاد کلان، به اندازه کافی بررسی نشده‌اند. در این پژوهش، با تحلیل جامع بین‌کشوری و بررسی مشترک اعتماد عمومی و اعتماد نهادی چندسطحی در شکل‌دهی به ادراک‌های اقلیمی و حمایت از سیاست‌های اقلیمی تلاش شده است این شکاف پر شود. در این پژوهش همچنین، آموزش بین‌نسلی و عوامل زمینه‌ای بررسی شده است تا درک یکپارچه‌تری از مبانی اجتماعی و نهادی نگرش‌های اقلیمی حاصل شود. بدین منظور، در پژوهش به دو سؤال اصلی پاسخ داده شده است:

۱. چگونه اعتماد عمومی و اعتماد نهادی بر باورهای افراد مبتنی بر واقعی بودن و بیشتر ساخته دست بشر بودن تغییرات اقلیمی تأثیر می‌گذارد؟
۲. چگونه این صورت‌های مختلف اعتماد بر تمایل افراد به متحمل شدن هزینه‌های شخصی، به‌ویژه از طریق مالیات‌های سنگین محیط‌زیستی، در حمایت از کاهش تغییرات اقلیمی تأثیر می‌گذارد؟

در پاسخ به این دو سؤال، داده‌های سطح فردی از دور چهارم «پیمایش زندگی در گذار» (LiTS IV) را که در سال‌های ۲۰۲۲ تا ۲۰۲۳ م در ۳۷ اقتصاد جهانی انجام شد با شاخص‌های اقتصاد کلان کشوری از بانک جهانی ترکیب کردیم. نمونه نهایی ۳۷۴۷۸ نفر را شامل شد. در راهبرد تجربی، از برآزش‌های وزنی جمعیتی با آثار ثابت منطقه و سال استفاده کردیم تا دستیابی به قابلیت مقایسه بین‌کشوری و استنتاج قوی تضمین شود.

تا آنجا که نویسندگان می‌دانند، این پژوهش نخستین پژوهشی است که در آن به‌طور مشترک نقش‌های متمایز اعتماد عمومی و اعتماد نهادی چندسطحی در شکل‌دهی به باورهای اقلیمی و حمایت از اقدام‌های پرهزینه اقلیمی از هم تفکیک شده است. با اندازه‌گیری روش‌مند اعتماد نهادی در سطوح مختلف حکومتی - از ریاست‌جمهوری گرفته تا مقام‌های مرکزی، منطقه‌ای و محلی - تلاش

شده است نخستین ارزیابی جامع درباره چگونگی تأثیر اعتماد به بازیگران سیاسی خاص بر پذیرش سیاست‌ها به دست آید.

علاوه بر این، در این پژوهش، گنجاندن آموزش بین‌نسلی، تمایز بین آموزش خود افراد و آموزش والدین (مادر و پدر) و در نتیجه، آشکار کردن مسیرهای انتقال مبتنی بر خانواده، که پیش‌تر نادیده گرفته شده است، در شکل‌گیری نگرش‌های اقلیمی، سهم جدیدی پیدا کرده است. همچنین، شاخصی برای کشورهای اتحاد جماهیر شوروی سابق نیز در نظر گرفته شده است تا ناهمگونی تاریخی و نهادی‌ای که ممکن است هم اعتماد و هم نگرش‌های مرتبط با اقلیم را شکل دهد، از قلم نیفتاده باشد. این کشورها میراث مشترکی از حکومت متمرکز، نظام‌های اطلاعاتی تحت کنترل دولت و گفتمان علمی سیاسی شده را دارند که ممکن است بر سطوح معاصر اعتماد و پذیرش اطلاعات مرتبط با اقلیم تأثیر بگذارد.

در این پژوهش به سه یافته اصلی دست یافتیم. نخست، هم اعتماد عمومی و هم اعتماد نهادی به شدت و مدام با پذیرش بیشتر تغییرات اقلیمی همچون پدیده‌ای واقعی و انسانی مرتبط است. این نشان می‌دهد، نخست، اعتماد، پذیرش اطلاعات علمی پیچیده و انتزاعی را تسهیل می‌کند. دوم، اعتماد در شکل‌دهی تمایل به پرداخت مالیات‌های سنگین محیط‌زیستی نقش مهمی دارد، به‌ویژه هنگامی که اعتماد به سمت نهادهای سیاسی مسئول اجرای سیاست‌ها باشد. این امر اهمیت اعتبار نهادی را در تبدیل باورهای اقلیمی به حمایت ملموس از سیاست‌ها برجسته می‌کند. سوم، نگرش‌های اقلیمی در ساختارهای اجتماعی و تاریخی گسترده‌تر ریشه دارد. آموزش بین‌نسلی، میراث‌های نهادی تاریخی و شرایط کلان اقتصادی، به‌ویژه تورم، به‌طور چشمگیری هم برداشت‌های اقلیمی و هم ترجیح‌های سیاسی را شکل می‌دهند.

ساختار مقاله به قرار زیر است. در بخش ۲ پیشینه پژوهش مطرح شده است. در بخش ۳، داده‌ها و روش‌شناسی تجربی شرح داده شده است. بخش ۴ به نتایج اصلی اختصاص دارد. در بخش ۵، یافته‌ها و در بخش ۶، نتیجه‌گیری از پیامدهای سیاستی آمده است.

۲. پیشینه

۱.۲. اعتماد و باورهای اقلیمی

در مجموعه رو به رشدی از متون پژوهشی، اعتماد عامل تعیین‌کننده اصلی نگرش‌های اقلیمی شناخته شده است، گرچه آثار آن در انواع مختلف اعتماد

متفاوت است. نشان داده شده است اعتماد عمومی، در مفهوم اعتماد بین‌فردی به دیگران فراتر از حلقه اجتماعی نزدیک فرد، ارتباط متوسط اما پیوسته مثبتی با باورهای مربوط به تغییرات اقلیمی دارد. افراد در سطوح بالای اعتماد عمومی در مواجهه با تغییرات اقلیمی پذیرش بیشتری نشان می‌دهند و از حفاظت از محیط‌زیست حمایت قوی‌تری ابراز می‌دارند، زیرا اعتماد، رفتار مشارکتی و اقدام جمعی را تسهیل می‌کند (Fairbrother, Ostrom, 1998; Putnam, 2000). شواهد تجربی همچنین، بیانگر آن است که اعتماد عمومی، رفتارهای طرفدار محیط‌زیست را ترویج می‌دهد، مانند صرفه‌جویی در مصرف انرژی و تلاش برای کاهش آثار اقلیمی (Lübke, 2021; Irwin & Berigan, 2013). در سطح کلان، اعتماد اجتماعی زیاد با انتشار کربن کمتر و سیاست‌های اقلیمی مؤثرتر مرتبط است که نشان می‌دهد اعتماد، هماهنگی و انطباق را افزایش می‌دهد (Carattini et al., 2018; Carattini & Jo, 2018; Jo & Carattini, 2021).

با این حال، اعتماد نهادی که اعتماد به مقام‌های سیاسی و نهادهای عمومی تعریف می‌شود، آثار پیچیده‌تر و وابسته به زمینه را نشان می‌دهد. در حالی که اعتماد نهادی بیشتر عموماً با باورهای اقلیمی قوی‌تر مرتبط است، تأثیر آن ممکن است در زمینه‌های سیاسی و ایدئولوژیکی متفاوت باشد، و گاه بسته به باورها و نگرش‌های قبلی افراد، برداشت‌های اقلیمی تقویت یا تضعیف شود (Mares et al., 2024). این یافته‌ها نشان می‌دهد اعتماد به طرق متعددی عمل می‌کند و هم بر دریافت اطلاعات علمی و هم بر تفسیر نشانه‌های سیاستی تأثیر می‌گذارد.

۲.۲. اعتماد نهادی و حمایت از سیاست‌ها

فراتر از شکل‌گیری باورها، اعتماد در شکل‌دهی به حمایت از سیاست‌های اقلیمی، به‌ویژه هزینه‌های مالی شخصی، نقش مهمی ایفا می‌کند. یافته‌ای ثابت در متون پژوهشی حاکی از آن است که اعتماد نهادی، به‌ویژه اعتماد به دولت، تمایل افراد را به حمایت از مالیات محیط‌زیستی و سایر اقدام‌های کاهنده، به‌طور چشمگیری افزایش می‌دهد. این رابطه اغلب با کاهش نگرانی‌ها درباره ناکارآمدی دولت، فساد یا سوءاستفاده از بودجه عمومی توضیح داده می‌شود (Cologna & Siegrist, 2020; Davidovic & Harring, 2024). در مقابل، افرادی که اعتماد کمی به نهادها دارند، حتی زمانی که اهمیت اقدام‌های اقلیمی را تشخیص می‌دهند، احتمال بیشتری دارد که در برابر چنین سیاست‌هایی مقاومت کنند. در مطالعات تجربی اخیر، بر اولویت اعتماد نهادی در پذیرش سیاست‌ها

تأکید بیشتری شده است. به طور مثال، در تحلیل‌های بین‌کشوری در اروپا نشان داده شده است که اعتماد به نهادهای سطح ملی، مانند ریاست جمهوری یا دولت مرکزی، بر حمایت از سیاست‌های اقلیمی در قبال اعتماد به مقام‌های منطقه‌ای یا محلی تأثیری جدی دارد (Harring et al., 2020; Mares et al., 2024). شواهد تجربی همچنین، حاکی از آن است که گرچه اعتماد حمایت از سیاست‌ها را افزایش می‌دهد، نگرانی‌ها درباره هزینه‌های اقتصادی را کامل جبران نمی‌کند که نشان می‌دهد، اعتماد مکمل ملاحظات اقتصادی است نه جایگزین آن (Davidovic & Harring, 2024). در مقابل، اعتماد عمومی در شکل‌دهی مستقیم حمایت از سیاست‌های پرهزینه نقش محدودتری دارد، گرچه ممکن است به طور غیرمستقیم از طریق شکل‌گیری باور بر نگرش‌ها تأثیر بگذارد.

علی‌رغم این پیشرفت‌ها، محدودیتی مهم در متون پژوهشی، تمایز ناکافی بین انواع و سطوح مختلف اعتماد است. اعتماد تعمیم‌یافته و اعتماد نهادی به لحاظ مفهومی از هم متمایز است و ممکن است از طریق سازوکارهای متفاوتی عمل کنند. اعتماد تعمیم‌یافته منعکس‌کننده هنجارها و انتظارات اجتماعی گسترده است، در حالی که اعتماد نهادی به اطمینان به حکومت و اجرای سیاست‌ها مربوط می‌شود (Uslaner, 2002; Hooghe et al., 2015; Kaasa & Andriani, 2022). در اندک مطالعاتی، به طور روش‌مند، این ابعاد به طور هم‌زمان در بین کشورها و در سطوح مختلف دولت بررسی شده است که شکاف عمیقی در درک چگونگی شکل‌گیری باورهای اقلیمی و ترجیح‌های سیاسی بر پایه اعتماد باقی می‌گذارد.

۳.۲. اعتماد، اقدام‌های اقلیمی و رفتار سازمانی

در حالی که نقش اعتماد در پیامدهای اقلیمی فردی و ملی کاملاً مستند شده است، تأثیر آن بر رفتار سازمانی همچنان ناشناخته است. در پژوهش‌های موجود بیشتر بر پاسخ‌های سطح شرکت به چارچوب‌های نظارتی یا فشارهای زنجیره تأمین تمرکز شده است و به اعتماد اجتماعی گسترده‌تر توجه چندانی نشده است. این شکاف، به ویژه در بازارهای نوظهور، اهمیت دارد؛ بازارهایی که نهادهای غیررسمی و هنجارهای اجتماعی در شکل‌دهی به شیوه‌های تجاری نقش مهمی ایفا می‌کنند (McMillan & Woodruff, 1999). در شواهد اخیر، پرداختن به این شکاف ملاحظه می‌شود. به طور مثال، بررسی شرکت‌های ویتنامی نشان داد که شرکت‌هایی که در محیط‌های با اعتماد زیاد فعالیت می‌کنند، بیشتر احتمال دارد اقدام‌های کاهش آثار اقلیمی اتخاذ کنند و نقش سرمایه اجتماعی را در شکل‌دهی

به راهبردهای محیط‌زیستی شرکت‌ها برجسته می‌کند (Vu & Phuong, 2026). به‌لحاظ نظری، این رابطه را می‌توان از طریق سرمایه اجتماعی و نظریه‌های نهادی توضیح داد با تأکید بر این امر که اعتماد هزینه‌های معاملات را کاهش می‌دهد، همکاری را تسهیل می‌کند و هماهنگی را در داخل و بین سازمان‌ها افزایش می‌دهد (Fukuyama, 1995; Gulati, 1995; Das & Teng, 1998). این بینش‌ها معرف آن است که اعتماد نه تنها به نگرش‌های فردی، بلکه به واکنش‌های اقتصادی و سازمانی گسترده‌تر به تغییرات اقلیمی نیز نهفته است.

۴.۲. محرک زمینه‌ای گسترده‌تر نگرش‌های اقلیمی

علاوه بر اعتماد، نگرش‌های اقلیمی بر پایه طیف وسیعی از عوامل فردی و زمینه‌ای شکل می‌گیرد که در متون پژوهشی چندان بدان توجه نشده است. آموزش یکی از مهم‌ترین پیش‌بینی‌کننده‌های باورهای اقلیمی است و در سطوح بالاتر آموزش، علم اقلیم‌شناسی با پذیرش بیشتری همراه است. با این حال، در پژوهش‌ها نشان داده شده است که عوامل بین‌نسلی نیز ممکن است نقش مهمی داشته باشند. آموزش والدین، از طریق اجتماعی‌شدن در اوایل زندگی و انتقال ارزش، بر گشودگی شناختی و نگرش به مسئولیت جمعی تأثیر می‌گذارد، اما این بُعد در مطالعات بین‌کشوری اقبال چندانی نداشته است. میراث تاریخی و نهادی نیز در تنوع مداوم در نگرش‌های اقلیمی نقش دارد. جوامعی که بر پایه نظام‌های اطلاعاتی متمرکز یا علم سیاست شکل گرفته‌اند، ممکن است شک و تردید طولانی‌مدتی به روایت‌های رسمی و دانش تخصصی نشان دهند. این آثار میراثی بر اعتماد به نهادها و پذیرش علم اقلیم تأثیر می‌گذارد و موانع ساختاری برای حمایت از سیاست ایجاد می‌کند. در نهایت، شرایط اقتصاد کلان، به‌ویژه تورم، ممکن است با تغییر توجه به نگرانی‌های اقتصادی فوری و دورشدن از خطرهای محیط‌زیستی بلندمدت، بر نگرش‌های اقلیمی تأثیر بگذارد. این نشان می‌دهد که باورهای اقلیمی و ترجیح‌های سیاسی نه تنها تحت تأثیر اطلاعات و درآمد، بلکه تحت تأثیر محیط‌های ساختاری و اقتصادی گسترده‌تر نیز قرار دارد.

۵.۲. جایگاه پژوهش و شکاف‌های آن

مرور متون پژوهشی نشان می‌دهد که اعتماد، آموزش و عوامل زمینه‌ای همگی در شکل‌دهی به نگرش‌های اقلیمی نقش مهمی دارند. با این حال، سه شکاف کلیدی باقی است. نخست، در متون موجود، اغلب اعتماد تعمیم‌یافته یا اعتماد نهادی

به طور متمایز بررسی شده‌اند، بی‌آنکه به طور مشترک آثار متمایز و مکمل آن‌ها تجزیه و تحلیل شده باشد. دوم، شواهد بین کشوری محدودی وجود دارد که سطوح مختلف اعتماد نهادی را از مقام‌های ملی تا محلی در چارچوبی واحد ادغام کرده باشند. سوم، نقش آموزش بین‌نسلی و عوامل ساختاری گسترده‌تر، از جمله میراث تاریخی و شرایط اقتصادی کلان، همچنان بررسی نشده باقی است.

در این پژوهش، تحلیل جامع بین‌کشوری با هدف بررسی مشترک اعتماد عمومی و اعتماد نهادی چندسطحی در شکل‌دهی به برداشت‌های اقلیمی و حمایت از سیاست‌های اقلیمی برای پرکردن این شکاف انجام شده است. همچنین، به آموزش بین‌نسلی و عوامل زمینه‌ای نیز پرداخته شده و درک یکپارچه‌تری از مبانی اجتماعی و نهادی نگرش‌های اقلیمی مطرح شده است.

۳. روش‌شناسی و توصیف داده‌ها

۱.۳. روش‌شناسی

در این پژوهش بررسی کردیم که چگونه انواع مختلف اعتماد، یعنی اعتماد تعمیم‌یافته و اعتماد نهادی، برداشت افراد را از تغییرات اقلیمی و حمایت آن‌ها را از سیاست‌های مالی اقلیمی شکل می‌دهد. این راهبرد تجربی بر پایه رویکردهای تثبیت‌شده در متون اخیر بنا شده است (به طور مثال، MacInnes et al., 2026; Vu & Phuong, 2026; Goodhart & Vu, 2025; 2026a; 2026b; 2026c) و تأکید شده است که نگرش‌های اقلیمی به طور مشترک بر پایه اعتماد اجتماعی، ویژگی‌های فردی و عوامل زمینه‌ای سطح کلان تعیین می‌شود. بر این اساس، مشخصات مدل سه گروه مهم از متغیرها را شامل می‌شود: متغیرهای اعتماد (*TRUST*) در جایگاه عوامل توضیحی اصلی، کنترل‌های سطح فردی (*INDIVIDUAL*) برای در نظر گرفتن ناهمگونی در باورها و ترجیحات، و کنترل‌های سطح کشوری برای در نظر گرفتن محیط‌های ساختاری و نهادی گسترده‌تر (*COUNTRY*).

گنجاندن متغیرهای اعتماد (*TRUST*) بر پایه سرمایه اجتماعی و نظریه‌های نهادی نشان داد که اعتماد، عدم قطعیت را کاهش، و همکاری، پذیرش اطلاعات علمی و سیاست‌های عمومی را افزایش می‌دهد. اعتماد تعمیم‌یافته منعکس‌کننده انتظارات اجتماعی گسترده است و گشودگی به اقدام جمعی و خطرهای انتزاعی مانند تغییرات اقلیمی را تسهیل می‌کند؛ در حالی که اعتماد نهادی، اعتماد به مقام‌های دولتی مسئول طراحی و اجرای سیاست‌ها را در بر می‌گیرد. تمایز بین این ابعاد به تحلیل کمک می‌کند تا نقش‌های بالقوه متفاوت آن‌ها در شکل‌دهی به باورها و حمایت از سیاست‌ها شناسایی شود.

بردار ویژگی‌های سطح فردی (*INDIVIDUAL*) پس از مجموعه‌ای بزرگ از پژوهش‌های تجربی نشان می‌دهد نگرش‌های اقلیمی به‌شدت تحت تأثیر عوامل جمعیت‌شناختی و اجتماعی-اقتصادی (مانند تحصیلات، درآمد، سن و جنسیت)، همچنین متغیرهای نگرشی قرار دارد. کنترل این عوامل به جداسازی اثر مستقل اعتماد از ناهمگونی فردی زیربنایی کمک می‌کند که ممکن است هم‌زمان بر اعتماد و نگرش‌های اقلیمی اثر داشته باشد.

متغیرهای سطح کشوری (*COUNTRY*) شرایط اقتصاد کلان و نهادی را در بر می‌گیرد و زمینه وسیع‌تری را شکل می‌دهد که در آن افراد باورها و ترجیح‌های سیاسی را شکل می‌دهند. در پژوهش‌های پیشین نشان داده شد که عواملی مانند تورم، رشد اقتصادی و کیفیت نهادی ممکن است با تأثرگذاری بر محدودیت‌های اقتصادی ادراک‌شده و اعتماد به حکومت، بر نگرش‌های اقلیمی تأثیر بگذارد. گنجاندن این کنترل‌ها تضمین می‌کند که آثار تخمینی اعتماد تحت تأثیر تفاوت‌های بین کشوری در محیط‌های اقتصادی یا نهادی قرار نمی‌گیرد.

در ارزیابی تجربی این روابط، دو مدل پایه با استفاده از روش حداقل مربعات معمولی (OLS)^۱ تخمین زده شد. با استفاده از معادله (۱) می‌توان بررسی کرد که آیا اعتماد بر باورهای افراد مبنی بر واقعی بودن تغییرات اقلیمی و علت اصلی آن فعالیت‌های انسانی تأثیر می‌گذارد. با استفاده از معادله (۲) می‌توان دریافت که چگونه اعتماد بر تمایل افراد به پرداخت مالیات بیشتر برای حمایت از تلاش‌های کاهش تغییرات اقلیمی تأثیر می‌گذارد. با توجه به تعداد نابرابر مشاهدات در بین کشورها، تمامی برازش‌ها بر اساس جمعیت کل هر کشور وزن‌دهی شد تا اطمینان حاصل شود که نتایج به‌طور ناهمگن تحت تأثیر کشورهایی با حجم نمونه بزرگ‌تر قرار نگیرد.

$$PERCEP_i = \alpha + \beta_1 TRUST_i + \beta_2 INDIVIDUAL_i + \beta_3 COUNTRY_i + \mu_i + FE(\text{Region}) + FE(\text{Year}) \quad (1)$$

$$ENVTAX_i = \alpha + \beta_1 TRUST_i + \beta_2 INDIVIDUAL_i + \beta_3 COUNTRY_i + \mu_i + FE(\text{Region}) + FE(\text{Year}) \quad (2)$$

PERCEP معرف برداشت افراد از واقعی بودن و ساخته دست بشر بودن تغییرات اقلیمی است. *ENVTAX* تمایل افراد را به پرداخت مالیات بیشتر برای تأمین مالی سیاست‌های کاهش تغییرات اقلیمی نشان می‌دهد. *TRUST* معیارهای اعتماد عمومی، مانند اعتماد به بیشتر مردم، و اعتماد خاص (نهادی)، مانند اعتماد

1. Ordinary Least Squares

به دولت، دولت منطقه‌ای و دولت محلی را شامل می‌شود. *INDIVIDUAL* برداری از ویژگی‌های سطح فردی را نشان می‌دهد، از جمله عوامل جمعیتی، اجتماعی-اقتصادی و نگرشی. *COUNTRY* معرف ویژگی‌های کلان اقتصادی و نهادی کشور محل اقامت پاسخ‌دهنده است. μ_i عبارت خطاست. آثار ثابت منطقه‌ای و آثار ثابت سال در کنترل ناهمگونی مشاهده‌نشده در مناطق و زمان‌ها گنجانده شده است.

۲.۳. شرح داده‌ها

مجموعه داده‌های استفاده‌شده در این پژوهش، ادغام اطلاعات دو منبع اصلی بود: دور چهارم نظرسنجی زندگی در گذار (LiTS IV)^۱، که بانک اروپایی بازسازی و توسعه (EBRD, 2023) انجام داد، و داده‌های بازبانک جهانی. دور چهارم نظرسنجی زندگی در گذار در سال‌های ۲۰۲۲ و ۲۰۲۳ م در ۳۷ اقتصاد انجام شد، شامل کشورهای اروپای شرقی، آسیای مرکزی و بخش‌های از غرب آسیا و شمال آفریقا. از این نظرسنجی اطلاعات دقیقی در سطح فردی درباره شرایط اجتماعی-اقتصادی، ادراک‌ها و نگرش‌ها، با تأکید ویژه بر نابرابری فرصت‌ها، تحرک بین‌نسلی و اعتماد به نهادها به دست آمد. علاوه بر متغیرهای استاندارد جمعیتی و اقتصادی، مجموعه داده‌ها عبارت بود از معیارهایی غنی از باورها و ترجیح‌ها که آن را به‌ویژه برای تجزیه و تحلیل نگرش‌ها درباره تغییرات اقلیمی و سیاست‌های عمومی مناسب می‌کند. داده‌های دور چهارم نظرسنجی زندگی در گذار برای ساخت متغیرهای وابسته کلیدی استفاده شد که ادراک‌های مربوط به تغییرات اقلیمی و تمایل به حمایت از مالیات محیط‌زیستی، همچنین، متغیرهای توضیحی اصلی و مربوط به اعتماد عمومی و اعتماد نهادی را شامل می‌شود. در دسترس بودن شاخص‌های متعدد اعتماد، از جمله اعتماد به مردم و اعتماد به سطوح مختلف دولت، امکان تجزیه و تحلیل دقیق‌تر و تفکیک‌شده‌تری از نحوه عملکرد اعتماد را در ابعاد مختلف فراهم کرد. همچنین، این نظرسنجی اطلاعاتی را شامل می‌شد حاوی ویژگی‌های فردی-مانند سن، جنیست، تحصیلات، وضعیت سلامت، دینداری و ریسک‌پذیری- که متغیرهای کنترل در تحلیل تجربی در نظر گرفته می‌شوند.

در تکمیل داده‌های نظرسنجی در سطح فردی، شاخص‌های سطح کشوری از داده‌های بازبانک جهانی به دست آمد. این شاخص‌ها عبارت بود از متغیرهای کلان اقتصادی مانند میانگین بیکاری، تورم و اندازه جمعیت؛ که محیط اقتصادی

وسیع‌تری را شکل می‌دهد تا افراد بتوانند در آن نگرش‌های خود را شکل دهند. گنجاندن این متغیرهای سطح کلان کمک می‌کند در تحلیل تفاوت‌های بین‌کشوری را در شرایط اقتصادی در نظر داشته باشیم که ممکن است بر اعتماد و نگرش‌های مرتبط با آب‌وهوا تأثیرگذار باشند.

دو مجموعه داده در سطح کشور-سال با استفاده از شناسه‌های سازگار کشورها ادغام شد. قبل از ادغام، رویه‌های استاندارد پاکسازی داده‌ها برای اطمینان از کیفیت و سازگاری داده‌ها اعمال شد. این رویه‌ها عبارت بود از حذف مشاهدات با مقادیر گمشده در متغیرهای کلیدی، هماهنگ‌سازی تعریف‌های متغیرها در سراسر کشورها و تأیید طرح‌های کدگذاری برای متغیرهای طبقه‌بندی‌شده. همچنین، وزن‌های جمعیتی بر اساس نظرسنجی حفظ و در تمام تخمین‌های تجربی اعمال شد تا اطمینان حاصل شود که نتایج نمایانگر جمعیت‌های اصلی در هر کشور است.

پس از ادغام مجموعه داده‌ها و اعمال رویه‌های لازم برای پاکسازی، نمونه‌نهایی ۳۷۴۷۸ نفر را از ۳۷ کشور از ۲۰۲۲ تا ۲۰۲۳ م شامل شد. این حجم نمونه، تنوع چشمگیری از بین افراد و کشورها فراهم آورد و امکان تجزیه و تحلیل جامعی از رابطه بین اعتماد و نگرش‌های مربوط به آب‌وهوا در محیطی بین‌کشوری فراهم شد. آمار توصیفی متغیرهای اصلی استفاده‌شده در تجزیه و تحلیل در جدول ۱ گزارش شده است. شرح مفصلی از تمامی متغیرها، از جمله تعریف‌ها و اندازه‌گیری آن‌ها، در پیوست آمده است (جدول پ ۱).

۱.۲.۳. متغیرهای ادراک تغییرات اقلیمی (PERCEP)

ادراک تغییرات اقلیمی با استفاده از پاسخ به دو سؤال نظرسنجی اندازه‌گیری شد که در دور چهارم نظرسنجی زندگی در حال گذار گنجانده شده بود. در سؤال ۱۹.۴ از پاسخ‌دهندگان درخواست شد که نشان دهند چقدر متقاعد شده‌اند که تغییرات اقلیمی واقعی است؛ در حالی که در سؤال ۲۰.۴ الف از آن‌ها پرسیده شد که چقدر متقاعد شده‌اند که تغییرات اقلیمی در درجه نخست به دلیل فعالیت‌های انسانی است. این دو سؤال ابعاد متمایز اما نزدیک به هم نگرش‌های اقلیمی را در بر می‌گیرد: ادعان کلی به تغییرات اقلیمی به‌منزله پدیده و نسبت‌دادن علل آن به اقدام‌های انسانی. بر اساس این سؤال‌ها، دو متغیر وابسته حاصل شد. متغیر نخست، *CLCHANGE*، معرف میزان اعتقاد پاسخ‌دهندگان به واقعی بودن تغییرات اقلیمی است. متغیر دوم، *CC_MAN*، میزان نسبت داده‌شده به تغییرات اقلیمی را به عوامل انسانی در

پاسخ‌دهندگان نشان می‌دهد. هر دو متغیر در مقیاس ترتیبی پنج‌نقطه‌ای از ۰ (کاملاً متقاعد نشده) تا ۴ (کاملاً متقاعد شده) کدگذاری شد. بنابراین، مقادیر بیشتر نشان‌دهنده سطوح قوی‌تر اعتقاد به وجود تغییرات اقلیمی و علل انسانی آن است.

جدول ۱. توصیف آماری متغیرها

متغیر	مشاهده	میانگین	انحراف معیار	کمترین	بیشترین
CLCHANGE	۳۶۵۳۱	۲/۹۹	۰/۹۹	۱	۴
CC_MAN	۳۶۲۵۰	۲/۹۷	۱/۰۲	۱	۴
TAX_RPOL	۳۷۴۷۸	۲/۷۱	۱/۰۶	۱	۴
TAX_RGWARM	۳۷۴۷۸	۲/۶۲	۱/۰۹	۱	۴
GTRUST	۳۷۰۷۶	۲/۴۸	۱/۱۲	۱	۴
TRUST_PRESIDENT	۳۲۵۴۵	۳/۰۱	۱/۰۸	۱	۴
TRUST_GOV	۳۴۳۶۰	۲/۸۸	۱/۱۵	۱	۴
TRUST_RGOV	۳۲۸۵۱	۲/۸۳	۱/۰۹	۱	۴
TRUST_LGOV	۳۴۲۳۵	۲/۸۷	۱/۰۶	۱	۴
FEMALE	۳۷۴۷۸	۰/۸۲	۰/۳۸	۰	۱
LNAGE	۳۷۴۷۸	۳/۸۰	۰/۳۹	۲/۸۹	۴/۵۵
HIGHEDU	۳۷۴۷۸	۰/۲۱	۰/۴۱	۰	۱
DHIGHEDU	۳۶۰۸۳	۰/۱۱	۰/۳۱	۰	۱
MHIGHEDU	۳۶۶۵۳	۰/۰۹	۰/۲۸	۰	۱
HEALTH	۳۷۴۳۱	۲/۶۵	۰/۹۳	۰	۴
MUSLIM	۳۶۰۱۲	۰/۳۷	۰/۴۸	۰	۱
RTAKE	۳۷۱۵۱	۳/۷۹	۲/۹۳	۰	۹
RELIGIOUS	۳۵۲۳۸	۰/۱۲	۰/۳۳	۰	۱
URBAN	۳۷۴۷۸	۰/۶۰	۰/۴۹	۰	۱
FUSSR	۳۷۴۷۸	۳۵/۰	۰/۴۸	۰	۱
UNEMP	۳۶۴۶۶	۸/۹۷	۵/۷۱	۰/۸۵	۳۲/۲۸
INFL	۳۵۴۵۶	۱۱/۱۵	۸/۸۸	۳/۱۷	۵۸/۴۲

۲.۲.۳. تمایل به پرداخت مالیات‌های محیط‌زیستی بیشتر (ENVTAX)

حمایت از سیاست‌های مالی مرتبط با آب‌وهوا با استفاده از پاسخ‌ها به سؤال ۲۲.۴ نظرسنجی سنجیده شد. از پاسخ‌دهندگان سؤال شد: آیا در صورت تخصیص درآمد اضافی به اهداف محیط‌زیستی، حاضر به پرداخت مالیات بیشتر هستید؟ با این پرسش، مستقیم‌آبادگی افراد برای حمایت از مداخله‌های سیاست‌های عمومی، شامل کمک‌های مالی شخصی، ارزیابی شد.

دو حوزه سیاست‌گذاری متمایز در نظر گرفته شد. نخست، کاهش یا جلوگیری از آلودگی، از جمله اقدام‌ها با هدف بهبود کیفیت هوا و آب و مدیریت پسماند. این بُعد با متغیر *TAX_RPOL* اندازه‌گیری شد. دوم، تلاش‌های گسترده‌تر برای کاهش آثار اقلیمی، به‌ویژه سیاست‌هایی با هدف مبارزه با گرمایش جهانی یا اثر گلخانه‌ای، که با متغیر *TAX_RGWARM* اندازه‌گیری شد. پاسخ‌ها به هر دو سؤال در مقیاسی پنج نقطه‌ای از ۰ (کاملاً مخالف) تا ۴ (کاملاً موافق) کدگذاری شد. مقادیر بیشتر نشان‌دهنده تمایل بیشتر به حمایت از مالیات محیط‌زیستی بود. تمایز میان مالیات‌های مرتبط با آلودگی و مالیات‌های مرتبط با اقلیم به تحلیل کمک کرد تا بتوان بین نگرانی‌های محیط‌زیستی محلی و چالش‌های محیط‌زیستی جهانی گسترده‌تر تمایز قائل شد. این تفکیک نتیجه‌بخش بود، زیرا افراد ممکن است بسته به فوریت و وضوح ادراکی از مسائل محیط‌زیستی، واکنش‌های متفاوتی به سیاست‌ها نشان دهند.

۳.۲.۳. اعتماد تعمیم‌یافته و اعتماد نهادی

اعتماد در دو بُعد اصلی سنجیده شد: اعتماد تعمیم‌یافته و اعتماد نهادی. اعتماد تعمیم‌یافته از سؤال ۰۲.۴ برمی‌آید: آیا می‌توان به اکثر افراد اعتماد کرد یا اینکه لازم نیست در برخورد با دیگران بیش از حد محتاط بود؟ متغیر *GTRUST* در مقیاسی از ۰ (بی‌اعتمادی کامل) تا ۴ (اعتماد کامل) کدگذاری شد. این متغیر انتظارات کلی افراد را دربارهٔ قابل‌اعتماد بودن دیگران در جامعه در بر می‌گیرد و هنجارها و نگرش‌های اجتماعی گسترده‌تر را منعکس می‌کند.

اعتماد نهادی با طرح پرسش ۰۳.۴ سنجیده شد. در این پرسش از پاسخ‌دهندگان خواسته شد سطح اعتماد خود را به مقام‌های مختلف دولتی ابراز دارند. چهار متغیر مستقل برای سنجش اعتماد در سطوح مختلف حکومت منظور شد: اعتماد به ریاست‌جمهوری (*TRUST_PRESIDENT*)، اعتماد به دولت مرکزی (*TRUST_GOV*)، اعتماد به دولت منطقه‌ای (*TRUST_RGOV*)، و اعتماد به دولت محلی (*TRUST_LGOV*). هر متغیر در مقیاسی از ۰ (بی‌اعتمادی کامل) تا ۴ (اعتماد کامل) کدگذاری شد. مقادیر بیشتر معرف اعتماد بیشتر به نهاد مربوط بود. در دسترس بودن معیارهای متعدد اعتماد نهادی، امکان تجزیه و تحلیل دقیق‌تری از چگونگی ارتباط اعتماد در سطوح مختلف حکومت را با برداشت‌های اقلیمی و ترجیح‌های سیاسی فراهم کرد. همچنین، امکان بررسی این موضوع را فراهم آورد که آیا اعتماد به‌طور یکدست در سطوح نهادی عمل می‌کند یا بسته به سطح حکومت متفاوت می‌شود.

۴.۲.۳. متغیرهای کنترل سطح فردی (INDIVIDUAL)

تحلیل تجربی عبارت است از مجموعه‌ای جامع از متغیرهای کنترل سطح فردی تا ویژگی‌های مشهودی را بررسی کرد که ممکن است بر اعتماد و نگرش‌های مرتبط با آب‌وهوا تأثیر بگذارد. *FEMALE* متغیری دودویی و برابر با ۱ برای پاسخ‌دهندگان زن و برابر با ۰ برای پاسخ‌دهندگان مرد در نظر گرفته شد. *LNAGE* معرف لگاریتم طبیعی سن بود که امکان ایجاد رابطه‌ای غیرخطی بین سن و متغیرهای نتیجه را فراهم کرد. تحصیلات با سه متغیر *DHIGHEDU*، *HIGHEDU* و *MHIGHEDU* اندازه‌گیری شد و نشان داد آیا پاسخ‌دهنده، پدر پاسخ‌دهنده و مادر پاسخ‌دهنده، به ترتیب حداقل مدرک کارشناسی دارند. این متغیرها کمک کرد تا در تحلیل هم پیشرفت تحصیلی فرد و هم پیشینه تحصیلی بین نسلی لحاظ شود. *HEALTH* وضعیت سلامت خودگزارش شده در مقیاسی از ۰ (بسیار ضعیف) تا ۴ (بسیار خوب) بود. *MUSLIM* متغیری دودویی بود که در صورت مسلمان بودن پاسخ‌دهنده برابر با ۱ و در غیر این صورت برابر با ۰ می‌شود. *RELIGIOUS* معرف آن بود که آیا پاسخ‌دهنده خود را به‌طور کلی مذهبی می‌داند. با *RTAKE* میزان تمایل به خطرپذیری در مقیاسی از ۰ تا ۹ اندازه‌گیری شد که منعکس‌کننده نگرش‌های فردی است به عدم قطعیت. در نهایت، *URBAN* متغیری دودویی بود که برای پاسخ‌دهندگان ساکن در مناطق شهری برابر با ۱ و برای پاسخ‌دهندگان ساکن در مناطق روستایی برابر با ۰ در نظر گرفته شد.

این متغیرها در مجموع، ابعاد جمعیت‌شناختی، اجتماعی-اقتصادی، فرهنگی و رفتاری را در بر می‌گیرد که برای درک تنوع در هر دو نگرش اعتماد و نگرش‌های مربوط به آب‌وهوا منظور شد.

۵.۲.۳. متغیرهای کنترلی سطح کشور (COUNTRY)

این تحلیل چندین متغیر کنترلی در سطح کشور را شامل می‌شد تا تفاوت‌های موجود در شرایط اقتصاد کلان و بافت نهادی در کشورهای مختلف لحاظ شود. این متغیرها عبارت بود از درصد بیکاری ملی، درصد تورم ملی، متغیری شاخص برای تعیین اینکه آیا کشوری عضو اتحاد جماهیر شوروی سابق هست^۱. گنجاندن

۱. این نمونه شامل ۱۳ کشور اتحاد جماهیر شوروی سابق است: ارمنستان، آذربایجان، بلاروس، استونی، گرجستان، قزاقستان، جمهوری قرقیزستان، لتونی، لیتوانی، مولداوی، روسیه، تاجیکستان و ازبکستان.

شاخص اتحاد جماهیر شوروی سابق، ویژگی‌های تاریخی و نهادی مشترکی را در بر می‌گیرد که ممکن است بر نگرش‌های معاصر تأثیر بگذارد. کشورهای این گروه دوره‌های طولانی حکومت متمرکز و نظام‌های اطلاعاتی تحت کنترل دولت را شاهد بوده‌اند که ممکن است با تفاوت در اعتماد نهادی و پاسخ به اطلاعات علمی مرتبط باشد. گنجاندن این متغیر به تحلیل کمک کرد تا تفاوت‌های ساختاری مداومی در نظر گرفته شود که به‌طور کامل با شاخص‌های استاندارد اقتصاد کلان سنجیده نمی‌شود. متغیرهای اقتصاد کلان، از جمله بیکاری و تورم، برای در نظر گرفتن محیط اقتصادی گسترده‌تری لحاظ می‌شود که افراد در آن نگرش‌های خود را شکل می‌دهند. این شاخص منعکس‌کننده شرایط اقتصادی کوتاه‌مدت است که ممکن است بر درک خطر، ترجیح‌های سیاستی و حمایت از هزینه‌های عمومی تأثیر بگذارد.

متغیرهای سطح فردی و سطح کشوری در کنار هم، چارچوب جامعی را برای تحلیل رابطه بین اعتماد و نگرش‌های مرتبط با آب‌وهوا فراهم کرد، ضمن آنکه ناهمگونی سطح خرد و زمینه سطح کلان نیز لحاظ شد.

۴. نتایج میدانی

۱.۴. تأثیر اعتماد بر ادراک اقلیمی

در جدول پ ۲ در پیوست، نتایج میدانی مربوط به رابطه بین انواع مختلف اعتماد و ادراک افراد از تغییرات اقلیمی آمده است. در ستون‌های (۱) تا (۵) مشخص می‌شود که آیا پاسخ‌دهندگان معتقدند که تغییرات اقلیمی واقعی است (CLCHANGE). ستون‌های (۶) تا (۱۰) نشان می‌دهد که آیا پاسخ‌دهندگان تغییرات اقلیمی را بیشتر ناشی از فعالیت‌های انسانی می‌دانند (CC_MAN). هر مشخصه معرف یک متغیر اعتماد در یک زمان است، شامل مجموعه‌ای جامع از ویژگی‌های سطح فردی، کنترل‌های اقتصاد کلان در سطح کشور، همچنین، آثار ثابت منطقه و سال. این راهبرد مشخص، امکان مقایسه‌ای منسجم را در ابعاد مختلف اعتماد فراهم می‌کند، درعین حال عوامل مخدوش‌کننده بالقوه را در سطح خرد و کلان مشخص می‌کند.

در تمامی مشخصات، هم اعتماد تعمیم‌یافته و هم اعتماد نهادی به‌طور مثبت و از نظر آماری معنادار با ادراک‌های اقلیمی مرتبط است. اعتماد تعمیم‌یافته (GTRUST) رابطه مثبت پایدار و قوی با دو متغیر CLCHANGE و CC_MAN را نشان می‌دهد. افرادی که سطوح بالاتر اعتماد به دیگران را گزارش دادند، احتمال

بیشتری دارد که هم وجود تغییرات اقلیمی و هم منشأ انسانی آن را بپذیرند. ضرایب تخمینی در دو متغیر وابسته از نظر بزرگی مشابه و معرف آن است که اعتماد تعمیم یافته هم با آگاهی از تغییرات اقلیمی و هم با پذیرش علل انسانی آن مدام در ارتباط است. پایداری این ضرایب در بین مشخصات نشان می دهد که این رابطه به گنجاندن کنترل های جایگزین یا مشخصات مدل حساس نیست.

اعتماد نهادی رابطه ای قوی و پایدار مشابه با ادراک های اقلیمی را نشان می دهد. اعتماد به رئیس جمهور، دولت مرکزی، دولت منطقه ای و دولت محلی در تمامی مشخصات، با هر دو شاخص *CLCHANGE* و *CC_MAN* ارتباط مثبت و معناداری دارد. ضرایب تخمینی تقریباً از ۰/۰۵۴ تا ۰/۰۶۶ متغیر است و تغییرات محدودی در سطوح مختلف دولت را نشان می دهد. این محدوده نسبتاً باریک نشان می دهد که ارتباط بین اعتماد نهادی و ادراک های اقلیمی صرف نظر از سطح خاص حکمرانی مورد نظر، به طور کلی مشابه است. بنابراین، نتایج نشان دهنده تمرکز آثار در سطح نهادی خاصی نیست، بلکه به رابطه ای کلی بین اعتماد نهادی کلی و باورهای مرتبط با اقلیم اشاره دارد.

مقایسه بین اعتماد تعمیم یافته و اعتماد نهادی نشان می دهد که هر دو بُعد مدام با هم مرتبط هستند، گرچه اعتماد نهادی ضرایب کمی بزرگ تری را شامل می شود. این الگو در هر دو متغیر وابسته و در تمامی مشخصات مشاهده می شود. سازگاری این یافته ها نشان می دهد که اعتماد در شکل دهی به برداشت های اقلیمی در ابعاد مختلفی عمل می کند و هر دو شکل اعتماد بین فردی و نهادی در پذیرش اطلاعات مربوط به اقلیم نقش دارد.

ویژگی های فردی با ادراک های اقلیمی ارتباط روش مند و پایداری دارد. تحصیلات یکی از قوی ترین پیش بینی کننده ها بود. افرادی که سطح تحصیلات بالاتری دارند، به طور چشمگیری بیشتر احتمال دارد که باور کنند تغییرات اقلیمی واقعی و ناشی از فعالیت انسانی است. بزرگی و اهمیت آماری ضرایب تحصیلات در تمامی مشخصات ثابت ماند. علاوه بر تحصیلات خود پاسخ دهندگان، تحصیلات مادر نیز به طور مثبت و معناداری با هر دو متغیر پیامد مرتبط بود، در حالی که تحصیلات پدر در هیچ مشخصه ای اهمیت آماری نداشت. تفاوت در اهمیت آماری در متغیرهای تحصیلات والدین در مدل ها ثابت است و با گنجاندن معیارهای مختلف اعتماد تغییر نمی کند.

تفاوت های جنسیتی نیز در تمامی مشخصات مطرح است. پاسخ دهندگان

زن همواره کمتر احتمال داشت که هم به وجود تغییرات اقلیمی و هم به منشأ انسانی آن اعتقاد داشته باشند. ضرایب مربوط به *FEMALE* منفی و از نظر آماری در همه مدل‌ها معنادار بود. سن در بیشتر مشخصات با ادراک‌های اقلیمی ارتباط مثبت داشت، که نشان می‌دهد افراد مسن‌تر بیشتر احتمال دارد که به تغییرات اقلیمی اعتقاد داشته باشند. باین‌حال، بزرگی و اهمیت آماری سن در مدل‌هایی که *CC_MAN* متغیر وابسته است، کوچک‌تر و کمتر سازگار بود.

متغیرهای سطح فردی دیگر، الگوهای ثابتی را بین مشخصات نشان می‌دهند. سلامت خودگزارش‌شده بهتر، با هر دو مدل *CLCHANGE* و *CC_MAN* ارتباط مثبتی دارد. ضرایب سلامت از نظر آماری معنادار است و در بین مشخصات مختلف مدل ثابت می‌ماند. خطرپذیری نیز با هر دو متغیر پیامد ارتباط مثبت دارد که نشان‌دهنده رابطه ثابتی بین تحمل خطر و ادراک‌های اقلیمی است. وابستگی مذهبی، به‌طور کلی، با ادراک‌های اقلیمی مرتبط است و ضرایب آماری معناداری در بیشتر مشخصات دارد. در مقابل، مسلمانان با اعتقاد گزارش‌شده کمتر به هر دو پیامد تغییرات اقلیمی مشخص شدند. این الگوها در بین مشخصات و در بین هر دو متغیر وابسته ثابت ماند. سکونت در شهر، هنگامی که سایر ویژگی‌های فردی و کشوری در نظر گرفته شود، ارتباط آماری معناداری با ادراک‌های اقلیمی نشان نمی‌دهد.

در سطح کشوری، پاسخ‌دهندگان ساکن در کشورهای اتحاد جماهیر شوروی سابق، به‌طور چشمگیری کمتر احتمال داشت که باور کنند تغییرات اقلیمی واقعی و ناشی از فعالیت‌های انسانی است. ضرایب تخمینی منفی، از نظر بزرگی بزرگ و از نظر آماری در تمامی مشخصات بسیار معنادار بود. این رابطه پس از کنترل شرایط اقتصادی کلان و سایر متغیرهای سطح کشور، همچنان قوی باقی ماند. تداوم این نتیجه در تمامی مدل‌ها نشان می‌دهد که این ارتباط ناشی از ویژگی‌های اقتصادی مشهود در برآزش نیست.

متغیرهای کلان اقتصادی با ادراک‌های اقلیمی ارتباط بیشتری نشان داد، گرچه آثار آن‌ها در مقایسه با متغیرهای اعتماد کمتر ثابت است. درصد تورم بیشتر، عموماً با سطوح پایین‌تر باور به تغییرات اقلیمی مرتبط بود. ضرایب تورم در بیشتر مشخصات منفی بود، گرچه اهمیت آماری متفاوت بود، به‌ویژه در مدل‌های وابسته به متغیر وابسته *CC_MAN*. درصد بیکاری بالاتر، به‌ویژه در علل انسانی با اعتقاد قوی‌تر به تغییرات اقلیمی، ارتباط ضعیفی داشت، گرچه بزرگی این رابطه نسبتاً کوچک بود و در تمامی مدل‌ها از نظر آماری همواره معنادار نبود.

تمامی مشخصات آثار ثابت منطقه‌ای و سالیانه داشت و با استفاده از وزن‌های جمعیتی تخمین زده شد. این رویکرد، قابلیت مقایسه در کشورهای با اندازه‌های نمونه مختلف را تضمین می‌کند و ناهمگونی منطقه‌ای و آثار خاص زمانی منظور می‌شود. مقادیر ضریب تعیین R^2 تعدیل شده تقریباً از ۰/۱۰ تا ۰/۱۱ متغیر است که با تحلیل‌های بین‌کشوری مبتنی بر داده‌های نظرسنجی در سطح فردی سازگار است. قدرت توضیحی مدل‌ها در مشخصات مختلف ثابت می‌ماند و ضرایب تخمینی برای متغیرهای اعتماد، هنگامی که معیارهای جایگزین اعتماد نهادی معرفی می‌شود، تغییرات محدودی را نشان می‌دهد.

به‌طور کلی، نتایج معرف رابطه‌ای پایدار و قوی بین اعتماد و ادراک‌های اقلیمی در ابعاد مختلف است. هم اعتماد عمومی و هم اعتماد نهادی با باور به وجود تغییرات اقلیمی و علل انسانی آن ارتباط مثبت دارد. این روابط پس از کنترل طیف وسیعی از ویژگی‌های فردی و کشوری، همچنین، آثار ثابت، پایدار ماند که نشان می‌دهد ارتباط مشاهده شده به مشخصات مدل حساس نیست.

۲.۴. تأثیر اعتماد بر تمایل به پرداخت مالیات‌های محیط‌زیستی بیشتر

در جدول پ ۳ در پیوست، رابطه بین صورت‌های مختلف اعتماد و تمایل افراد به پرداخت مالیات‌های بیشتر در حمایت از سیاست‌های محیط‌زیستی بررسی شده است. در ستون‌های (۱) تا (۵) تمایل به پرداخت مالیات‌های بیشتر برای کاهش یا جلوگیری از آلودگی (TAX_RPOL) تجزیه و تحلیل شده است. ستون‌های (۶) تا (۱۰)، تمایل به پرداخت مالیات‌های بیشتر در مقابله با گرمایش جهانی یا اثر گلخانه‌ای (TAX_RGWARM) را نشان می‌دهد. هر مشخصه، یک متغیر اعتماد را در یک زمان معرفی می‌کند، شامل مجموعه‌ای جامع از کنترل‌های سطح فردی و سطح کشوری، همراه با آثار ثابت منطقه و سال.

در تمامی مشخصات، هم اعتماد تعمیم‌یافته و هم اعتماد نهادی به‌طور مثبت و از نظر آماری معنادار با تمایل به پرداخت مالیات‌های محیط‌زیستی بیشتر مرتبط است. اعتماد تعمیم‌یافته ($GTRUST$) برای هر دو TAX_RPOL و TAX_RGWARM همواره مثبت و معنادار است. افرادی که سطوح بالاتری از اعتماد به دیگران را گزارش دادند احتمال بیشتری دارد که از افزایش مالیات برای اهداف محیط‌زیستی حمایت کنند. بزرگی ضرایب در هر دو متغیر وابسته پایدار است که نشان‌دهنده رابطه‌ای پایدار میان اعتماد تعمیم‌یافته و حمایت از مالیات محیط‌زیستی در حوزه‌های مختلف سیاست‌گذاری است.

اعتماد نهادی با تمایل به پرداخت مالیات‌های محیط‌زیستی بیشتر رابطه قوی‌تر و بارزتری دارد. اعتماد به رئیس‌جمهور، دولت مرکزی، دولت منطقه‌ای و دولت محلی در تمامی مشخصات مثبت و از نظر آماری بسیار معنادار است. ضرایب تخمینی بزرگ‌تر از ضرایب مرتبط با اعتماد عمومی است و تقریباً از ۰/۰۷۹ تا ۰/۰۹۶ برای *TAX_RPOL* و از ۰/۰۸۴ تا ۰/۰۸۹ برای *TAX_RGWARM* متغیر است. دامنه نسبتاً باریک ضرایب در سطوح مختلف نهادی نشان می‌دهد این رابطه به‌طور گسترده در بین سطوح حاکمیتی سازگار است. این نتایج نشان می‌دهد اعتماد به نهادهای عمومی با آمادگی افراد برای متحمل‌شدن هزینه‌های مالی شخصی در حمایت از سیاست‌های محیط‌زیستی ارتباط نزدیکی دارد.

مقایسه نتایج جدول پ ۳ با جدول پ ۲ در پیوست نشان می‌دهد که بزرگی ضرایب اعتماد بیشتر در مدل‌های تمایل به پرداخت بیشتر از مدل‌های ادارک است. این تفاوت نشان می‌دهد که اعتماد بیشتر با حمایت از سیاست‌ها، شامل کمک‌های مالی مستقیم، مرتبط است تا با شکل‌گیری باور به‌تنهایی. سازگاری این الگو در هر دو معیار اعتماد تعمیم‌یافته و نهادی، اهمیت اعتماد در شکل‌دهی ترجیح‌ها به ابزارهای مالی توزیع مجدد یا جمعی را برجسته می‌کند.

ویژگی‌های فردی نیز ارتباط روش‌مندی با تمایل به پرداخت مالیات‌های محیط‌زیستی بیشتر را نشان داد. پاسخ‌دهندگان زن همواره بیشتر از پاسخ‌دهندگان مرد از مالیات محیط‌زیستی بیشتر در تمامی مشخصات حمایت کردند. سن با تمایل به پرداخت ارتباط مثبت داشت، گرچه بزرگی این اثر در مقایسه با مدل‌های ادراکی کمتر و کمتر ثابت بود.

نقش تحصیلات در ابعاد مختلف متفاوت بود. تحصیلات خود پاسخ‌دهندگان با تمایل به پرداخت مالیات بیشتر ارتباط مثبت داشت، گرچه این تأثیر متوسط بود و در تمامی موارد از نظر آماری معنادار نبود. در مقابل، تحصیلات پدران ارتباط مثبت قوی‌تر و پایدارتری را نشان داد، به‌ویژه برای تمایل به پرداخت مالیات در مواجهه با گرمایش جهانی. تحصیلات مادران در این مدل‌ها تأثیر آماری معناداری نشان نداد. این الگو نشان می‌دهد اجزای مختلف پیشینه تحصیلی با جنبه‌های متمایز از نگرش‌های محیط‌زیستی مرتبط است.

دیگر متغیرهای سطح فردی، روابط ثابتی را نشان داد. سلامت خودگزارش‌شده بهتر، با تمایل به پرداخت مالیات‌های محیط‌زیستی بیشتر ارتباط مثبتی داشت. افراد در سطوح بالاتر رفاهی، بیشتر احتمال دارد که از اقدام‌های

مالی با هدف حفاظت از محیط‌زیست حمایت کنند. خطرپذیری نیز با حمایت از مالیات محیط‌زیستی، به‌ویژه در مواجهه با گرمایش جهانی، ارتباط مثبتی داشت. وابستگی مذهبی با تمایل به پرداخت مالیات‌های محیط‌زیستی بیشتر در تمامی مشخصات ارتباط مثبتی داشت. ارتباط مسلمانان با تمایل به پرداخت مالیات‌های مرتبط با آلودگی مثبت بود، اما با تمایل به پرداخت مالیات با هدف مقابله با گرمایش جهانی رابطه آماری معناداری مشاهده نشد. این نتایج نشان‌دهنده تنوع در حمایت در حوزه‌های مختلف سیاست‌های محیط‌زیستی است.

سکونت در شهر با تمایل به پرداخت مالیات بیشتر برای کنترل آلودگی ارتباط مثبتی داشت، اما رابطه آماری معناداری با تمایل به پرداخت مالیات در مواجهه با گرمایش جهانی مشاهده نشد. این تفاوت نشان می‌دهد که حمایت از مالیات محیط‌زیستی ممکن است بسته به نزدیکی و میزان دیده‌شدن مسائل محیط‌زیستی متفاوت باشد.

برخلاف نتایج مربوط به برداشتهای اقلیمی، متغیرهای کلان اقتصادی در سطح کشوری در توضیح تمایل به پرداخت مالیات‌های محیط‌زیستی بیشتر نقش محدودی دارد. وضعیت اتحاد جماهیر شوروی سابق در بیشتر موارد از نظر آماری معنادار نبود. همچنین، درصد بیکاری و درصد تورم با تمایل به پرداخت مالیات‌های بیشتر ارتباط معنادار یا ثابتی نداشت. این نتایج حاکی از آن است که حمایت از مالیات محیط‌زیستی بیشتر با ویژگی‌های سطح فردی و متغیرهای اعتماد مرتبط است تا با شرایط اقتصاد کلان کوتاه‌مدت.

در تمامی مدل‌ها، آثار ثابت منطقه‌ای و سالیانه مشاهده شد و با استفاده از وزن‌های جمعیتی تخمین زده می‌شود تا از قابلیت مقایسه در کشورهای با اندازه‌های نمونه مختلف اطمینان حاصل شود. مقادیر ضریب تعیین R^2 تعدیل‌شده تقریباً از ۰/۱۰ تا ۰/۱۲ متغیر بود که با تحلیل‌های بین‌کشوری مبتنی بر داده‌های نظرسنجی در سطح فردی سازگار است. پایداری ضرایب تخمینی در مشخصات نشان می‌دهد که روابط بین اعتماد و تمایل به پرداخت مالیات‌های محیط‌زیستی بیشتر، در مقایسه با معیارهای جایگزین اعتماد نهادی، پایدار است.

۵. بحث

در این پژوهش، شواهد تجربی جدیدی درباره نقش اعتماد در شکل‌دهی به نگرش‌های مرتبط با آب‌وهوا، با تمرکز ویژه بر ادراک تغییرات اقلیمی و حمایت از

سیاست‌های کاهش آثار از طریق مالیات‌های محیط‌زیستی بیشتر مطرح شد. با تمایز قائل شدن بین اعتماد عمومی و اعتماد نهادی، با در نظر گرفتن تنوع در سطوح مختلف دولت، این تحلیل درک دقیق‌تری از نحوه عملکرد اعتماد را در ابعاد مختلف نگرش‌های اقلیمی نشان می‌دهد. نتایج حاکی از آن است که هم اعتماد عمومی و هم اعتماد نهادی به‌طور مثبت و مداوم با باورهای مبتنی بر واقعی بودن تغییرات اقلیمی و بیشتر ناشی از فعالیت‌های انسانی مرتبط است. این یافته‌ها در تمامی مشخصات مدل قوی است و پس از کنترل طیف وسیعی از ویژگی‌های فردی و کشوری پایدار می‌ماند.

نکته مهم این است که این نتایج با مطالعات پیشین همسوست. در مطالعات پیشین بر نقش اعتماد در شکل‌دهی به نگرش‌های محیط‌زیستی تأکید شده است. پژوهش‌های موجود نشان می‌دهد افرادی که سطح اعتماد بیشتری دارند، احتمال بیشتری دارد که شواهد علمی را بپذیرند و از حفاظت از محیط‌زیست حمایت کنند (Fairbrother, 2016; Irwin & Berigan, 2013). همچنین، مطالعات مربوط به اعتماد معرفتی نشان می‌دهد اعتماد به منابع اطلاعاتی، باور به تغییرات اقلیمی ناشی از فعالیت انسانی را تقویت می‌کند (Cologna et al., 2024). یافته‌های ما با ابراز به اینکه اعتماد عمومی و نهادی به‌طور روش‌مند بر ابعاد مختلف ادراک اقلیمی، از جمله آگاهی و انتساب، تأثیر می‌گذارد، در مسیر غنابخشیدن به این متون پژوهشی انجام شده است.

در این تحلیل همچنین، نشان داده شد که اعتماد نهادی در توضیح تمایل افراد به پرداخت مالیات‌های محیط‌زیستی بیشتر نقش مهمی ایفا می‌کند. ضرایب تخمینی برای اعتماد نهادی همواره بزرگ‌تر از ضرایب اعتماد تعمیم‌یافته در هر دو معیار مالیات مربوط به آلودگی و آب‌وهواست. این نشان می‌دهد در حالی که اعتماد تعمیم‌یافته از شکل‌گیری باور پشتیبانی می‌کند، اعتماد نهادی ارتباط مستقیم‌تری با حمایت از سیاست‌گذاری دارد، از جمله حمایت از کمک‌های مالی ملموس. این الگو با شواهد تجربی پیشین مطابقت دارد. در شواهد تجربی پیشین نشان داده شد که اعتماد به دولت نگرانی‌ها درباره اثر بخشی سیاست‌ها و سوءاستفاده از بودجه عمومی را کاهش می‌دهد؛ در نتیجه، پذیرش مالیات محیط‌زیست افزایش می‌یابد (Davidovic et al., 2020; Cologna & Siegrist, 2020). همچنین، ثبات نتایج در سطوح مختلف دولت، از ریاست جمهوری گرفته تا مقام‌های محلی، نشان می‌دهد این تأثیر محدود به سطح نهادی خاصی نیست،

بلکه نشان‌دهنده اعتماد گسترده‌تر است به نهادهای عمومی. این یافته همسو با مطالعات بین‌کشوری و تجربی اخیر است که نشان داده شد اعتماد نهادی عامل تعیین‌کننده کلیدی حمایت از سیاست‌های پرهزینه آب‌وهوایی است (Harring & Jagers, 2024; Mares et al., 2024).

در یافته‌ها، فراتر از اعتماد، بر اهمیت عوامل فردی و زمینه‌ای در شکل‌گیری نگرش‌های اقلیمی تأکید می‌شود. تحصیلات عامل تعیین‌کننده کلیدی در ادراک‌های اقلیمی است، به طوری که سطوح بالاتر تحصیلات با اعتقاد قوی‌تر به وجود و ماهیت انسانی تغییرات اقلیمی مرتبط است. این امر با حجم زیادی از متون پژوهشی درباره مرتبط‌بودن آموزش با سواد علمی بیشتر و آگاهی محیط‌زیستی همسوست. گنجاندن تحصیلات والدین بینش بیشتری را درباره تأثیر بین‌نسلی آشکار کرد. نتایج نشان داد که تحصیلات مادران با ادراک‌های اقلیمی ارتباطی قوی دارد، درحالی‌که تحصیلات پدران با تمایل به حمایت از مالیات محیط‌زیستی ارتباط نزدیک‌تری دارد. این یافته‌ها با پژوهش‌های نوظهور درباره انتقال بین‌نسلی ارزش‌ها و ترجیح‌ها همسوست و نشان می‌دهد پیشینه خانوادگی در شکل‌گیری ابعاد شناختی و هنجاری نگرش‌های اقلیمی نقش مهمی دارد.

عوامل سطح کشوری نیز در توضیح تنوع بین ملی نقش دارد. نتایج، بین وضعیت اتحاد جماهیر شوروی سابق و برداشت‌های اقلیمی ارتباط منفی قوی نشان می‌دهد که حتی پس از کنترل متغیرهای کلان اقتصادی، همچنان قوی باقی‌ماند. این یافته با مطالعات پیشین در این‌باره همسوست: تأکید بر نقش میراث تاریخی و نهادی در شکل‌دهی اعتماد و باورهای عمومی، به‌ویژه در جوامعی با سابقه نظام‌های اطلاعاتی متمرکز و علم سیاسی شده. در مقابل، شرایط کلان اقتصادی، مانند تورم و بیکاری، به‌ویژه در مدل‌های تمایل به پرداخت، آثار محدودتر و کمتری را نشان می‌دهد. با این حال، ارتباط منفی بین تورم و برداشت‌های اقلیمی نشان می‌دهد که فشارهای اقتصادی کوتاه‌مدت ممکن است توجه را به مخاطرات محیط‌زیستی بلندمدت بکشاند. این الگو با شواهد گسترده‌تری همسوست مبنی بر اینکه ناامنی اقتصادی تعامل با مسائل اقلیمی را کاهش می‌دهد.

در مجموع، یافته‌ها حاکی از آن است که نگرش‌های اقلیمی بر پایه ترکیبی از اعتماد، ویژگی‌های فردی و عوامل ساختاری گسترده‌تر شکل می‌گیرد. اعتماد در ابعاد مختلفی عمل می‌کند و بر شکل‌گیری باورها و ترجیح‌های سیاسی تأثیر می‌گذارد، درحالی‌که آموزش، زمینه نهادی و شرایط کلان اقتصادی لایه‌های

دیگری از تنوع را ایجاد می‌کند. سازگاری این نتایج در بین مشخصات و متغیرهای پیامد، و همسویی آن‌ها با شواهد تجربی موجود، استحکام یافته‌ها و ارتباط آن‌ها را در درک مبانی اجتماعی و نهادی نگرش‌های اقلیمی تقویت می‌کند.

۶. نتیجه‌گیری و پیامدها

در این مطالعه با استفاده از داده‌های سطح فردی از دور چهارم نظرسنجی زندگی در گذار، همراه با شاخص‌های اقتصاد کلان کشوری از داده‌های باز بانک جهانی، بررسی کردیم که چگونه اعتماد بر درک افراد از تغییر اقلیمی و تمایل آن‌ها به حمایت از کاهش آثار اقلیمی از طریق مالیات‌های محیط‌زیستی بیشتر تأثیرگذار است. با استفاده از داده‌های نظرسنجی سطح فردی همراه با شاخص‌های سطح کشوری، در این تحلیل بین اعتماد تعمیم‌یافته و اعتماد نهادی تمایز گذاشته شد و نقش آن‌ها در زمینه‌های مختلف اقتصادی و تاریخی ارزیابی شد.

سه نتیجه‌گیری اصلی از این تحلیل حاصل شد. نخست، هم اعتماد تعمیم‌یافته و هم اعتماد نهادی به‌طور مثبت و مداوم با باورهای قوی‌تر مبنی بر واقعی بودن تغییرات اقلیمی و ناشی از فعالیت‌های انسانی مرتبط است. دوم، اعتماد، به‌ویژه اعتماد نهادی، در توضیح تمایل افراد به پرداخت مالیات‌های محیط‌زیستی بیشتر نقش برجسته‌تری داشت. سوم، نگرش‌های اقلیمی نه تنها بر پایه ویژگی‌های فردی، بلکه بر پایه عوامل اجتماعی و تاریخی گسترده‌تر، از جمله آموزش بین‌نسلی، میراث نهادی و شرایط اقتصاد کلان شکل می‌گیرد.

در این پژوهش، با طرح نخستین تحلیل جامع و با نگاه مشترک، مشتمل بر اعتماد عمومی و اعتماد نهادی چندسطحی، از رئیس‌جمهور گرفته تا دولت‌های محلی، در شکل‌دهی به برداشت‌های اقلیمی و حمایت از سیاست‌ها، تلاش شد گامی در مسیر غنابخشیدن به متون پژوهشی در این باره برداشته شود. همچنین، با تمایز قائل شدن بین تحصیلات خود افراد و تحصیلات والدینشان، شواهد جدیدی درباره آموزش بین‌نسلی طرح شود و از این طریق مسیرهای انتقال مبتنی بر خانواده در شکل‌گیری نگرش‌های اقلیمی به تصویر درآید.

یافته‌ها پیامدهای دقیق و عملی برای طراحی و اجرا از نظر سیاست‌های اقلیمی را پیش‌پای نهاد. نخست، سیاستگذاران باید به‌صراحت، سازوکارهای اعتمادسازی را در حکمرانی اقلیمی بگنجانند، از جمله افزایش شفافیت در نحوه طراحی و اجرای سیاست‌های اقلیمی، بیان واضح اهداف سیاسی و نشان دادن

پاسخگویی در استفاده از منابع عمومی (به طور مثال، درآمدهای مالیاتی محیط زیستی). در محیط‌های کم‌اعتماد، دولت‌ها باید اقدام‌های افزایش دهنده اعتبار مانند نظارت مستقل، مشارکت ذی‌نفعان و اجرای مداوم سیاست‌ها را در اولویت قرار دهند تا مقاومت را کاهش دهند و پذیرش عمومی سیاست‌های اقلیمی را تقویت کنند.

دوم، دولت‌ها باید آموزش را سرمایه‌گذاری بلندمدتی برای اقدام‌های اقلیمی در نظر بگیرند. افزایش دسترسی به آموزش باکیفیت و ادغام محتوای مرتبط با اقلیم در برنامه‌های درسی به طور روش‌مند به افزایش آگاهی محیط‌زیستی و حمایت از سیاست‌های کاهش‌ی کمک خواهد کرد. با توجه به شواهد آثار بین‌نسلی، سیاستگذاران باید ابتکارهای یادگیری مبتنی بر خانواده و جامعه را نیز لحاظ کنند تا دانش اقلیمی فراتر از آموزش رسمی تقویت شود؛ در نتیجه، تأثیر بلندمدت سیاست‌های آموزشی تقویت شود.

سوم، سیاست‌های اقلیمی باید متناسب با زمینه‌های تاریخی و نهادی خاص کشورها تنظیم شود. در مناطقی که اعتماد نهادی از نظر ساختاری کم است، مانند مناطقی که نظام‌های سیاسی گذشته شکل گرفته‌اند، رویکردهای استاندارد سیاست‌گذاری ممکن است کمتر مؤثر باشد. در این شرایط دولت‌ها باید راهبردهای ارتباطی را تطبیق دهند، بیشتر به بازیگران محلی مورد اعتماد تکیه کنند، و اصلاحات تدریجی اعتمادسازی را در کنار مداخله‌های اقلیمی برای افزایش پذیرش سیاست‌ها در اولویت قرار دهند.

چهارم، سیاستگذاران باید سیاست‌های اقلیمی را با شرایط حاکم بر اقتصاد کلان همسو کنند. در دوره‌های استرس اقتصادی، مانند تورم بالا، دولت‌ها باید اقدام‌های اقلیمی را با سیاست‌هایی کامل کنند که فشارهای مالی کوتاه‌مدت بر خانوارها و شرکت‌ها را رفع کند. به طور مثال، یارانه‌های هدف‌مند، اجرای مرحله‌ای مالیات‌های محیط‌زیستی یا طرح‌های جبران خسارت به حفظ حمایت عمومی حین پیشبرد اهداف اقلیمی کمک خواهد کرد.

به طور کلی، این یافته‌ها نشان داد که سیاست مؤثر اقلیمی به رویکردی هماهنگ و یکپارچه نیاز دارد. سیاستگذاران باید هم‌زمان در اعتماد نهادی، آموزش، طراحی سیاست‌های حساس به شرایط و تثبیت اقتصاد کلان سرمایه‌گذاری کنند. با پرداختن به این عوامل به طور هم‌زمان و نه به طور مجزا، دولت‌ها می‌توانند هم پذیرش و هم اثربخشی سیاست‌های اقلیمی را در درازمدت افزایش دهند.

تشکر و قدردانی

این مقاله در دهمین همایش بین‌المللی نظریه کاربردی، اقتصاد کلان و اقتصاد تجربی در دانشگاه مقدونیه، تسالونیک، یونان به‌طور شفاهی عرضه شد. نویسنده از نظرهای مفید شرکت‌کنندگان در این همایش صمیمانه قدردانی می‌کند. تأمین مالی این پژوهش را به‌طور کامل دانشگاه مالی-ارزیابی ویتنام بر عهده داشت.

تعارض منافع

این مقاله مشمول هیچ‌گونه تعارض منافع نیست.

اصول اخلاقی

نویسنده در انتشار این مقاله، به‌طور کامل از اخلاق نشر، از جمله سرقت ادبی، سوءرفتار، جعل داده‌ها یا ارسال و انتشار دوگانه پرهیز داشته است؛ منفعت تجاری در این راستا وجود ندارد. این مقاله حاصل تحقیقات خود نویسنده است و اصالت محتوای آن را اعلام داشته است. تألیف این مقاله به هوش مصنوعی داده نشده است.

دسترسی به داده‌ها

در صورت نیاز به اطلاعات بیشتر در خصوص نحوه تجزیه و تحلیل داده‌ها در این مقاله، با نویسنده مسئول مکاتبه فرمایید.

پیوست‌ها

جدول پ.۱. شرح داده‌ها

منبع	شرح	نام متغیر وابسته
Q4.19 of LITS4	میزان اطمینان پاسخ‌دهندگان به واقعی بودن تغییرات اقلیمی، از ۰ برای کاملاً نامتقاعد تا ۴ برای کاملاً متقاعد متغیر است. مقادیر بالاتر معرف باورهای قوی‌تر مبنی بر واقعی بودن تغییرات اقلیمی است.	CLCHANGE
Q4.20a of LITS4	میزان اطمینان پاسخ‌دهندگان به اینکه تغییرات اقلیمی ساخته دست بشر است، از ۰ برای کاملاً مردد تا ۴ برای کاملاً متقاعد متغیر است. مقادیر بالاتر معرف باورهای قوی‌تر مبنی بر این است که تغییرات اقلیمی ساخته دست بشر است.	CC_MAN
Q4.22 of LITS4	اینکه آیا پاسخ‌دهندگان حاضر هستند برای مبارزه با گرمایش جهانی یا اثر گلخانه‌ای مالیات بیشتری بردارند. این گزینه از ۰ برای کاملاً مخالف تا ۴ برای کاملاً موافق کدگذاری شد. مقادیر بالاتر نشان‌دهنده تمایل بیشتر برای حمایت از کاهش تغییرات اقلیمی از طریق مالیات است.	TAX_RPOL
Q4.22 of LITS4	اینکه آیا پاسخ‌دهندگان حاضر هستند برای کاهش یا جلوگیری از آلودگی، از جمله افزایش کیفیت هوا یا آب و مدیریت پسماند، مالیات بیشتری بردارند. این گزینه از ۰ برای کاملاً مخالف تا ۴ برای کاملاً موافق کدگذاری شده است. مقادیر بالاتر معرف تمایل بیشتر برای حمایت از کاهش تغییرات اقلیمی از طریق مالیات است.	TAX_RGWARM
اعتماد تعمیم‌یافته و اعتماد نهادی		
Q4.02 of LITS4	اعتماد عمومی؛ از طریق اینکه آیا می‌توان به اکثر مردم اعتماد کرد یا اینکه نمی‌توان در برخورد با دیگران بیش از حد محتاط بود. این متغیر از ۰ برای «بی‌اعتمادی کامل» تا ۴ برای «اعتماد کامل» کدگذاری شد. مقادیر بالاتر معرف سطوح بالاتر اعتماد عمومی است.	GTRUST

منبع	شرح	نام
Q4.03 of LITS4	اعتماد نهادی؛ از طریق اعتماد به ریاست‌جمهوری. این شاخص از ۰ برای «بی‌اعتمادی کامل» تا ۴ برای «اعتماد کامل» کدگذاری شد. مقادیر بالاتر معرف سطوح بالاتر اعتماد نهادی است.	<i>TRUST PRES IDENT</i>
Q4.03 of LITS4	اعتماد نهادی؛ از طریق اعتماد به دولت مرکزی. این شاخص از ۰ برای «بی‌اعتمادی کامل» تا ۴ برای «اعتماد کامل» کدگذاری شد. مقادیر بالاتر معرف سطوح بالاتر اعتماد نهادی است.	<i>TRUST_GOV</i>
Q4.03 of LITS4	اعتماد نهادی؛ از طریق اعتماد به دولت منطقه‌ای. این شاخص از ۰ برای «بی‌اعتمادی کامل» تا ۴ برای «اعتماد کامل» کدگذاری شد. مقادیر بالاتر معرف سطوح بالاتر اعتماد نهادی است.	<i>TRUST_RGOV</i>
Q4.03 of LITS4	اعتماد نهادی؛ از طریق اعتماد به دولت محلی. این شاخص از ۰ برای «بی‌اعتمادی کامل» تا ۴ برای «اعتماد کامل» کدگذاری شد. مقادیر بالاتر معرف سطوح بالاتر اعتماد نهادی است.	<i>TRUST_LGOV</i>

متغیرهای کنترل برای افراد

Q1.03 of LITS4	متغیر ساختگی = اگر پاسخ‌دهنده زن بود ۱ و اگر مرد بود ۰.	<i>FEMALE</i>
Q1.05 of LITS4	لگاریتم طبیعی سن	<i>LNAGE</i>
Q1.09a of LITS4	متغیر ساختگی = اگر پاسخ‌دهنده دست‌کم مدرک کارشناسی داشت ۱، در غیر این صورت ۰.	<i>HIGHEDU</i>
Q1.10a of LITS4	متغیر ساختگی = اگر پدر پاسخگو دست‌کم مدرک کارشناسی داشت ۱، در غیر این صورت ۰.	<i>DHIGHEDU</i>
Q1.11a of LITS4	متغیر ساختگی = اگر مادر پاسخگو دست‌کم مدرک کارشناسی داشت ۱، در غیر این صورت ۰.	<i>MHIGHEDU</i>
LITS4	وضعیت سلامت خوداظهاری، از ۰ برای «بسیار ضعیف» تا ۴ برای «بسیار خوب»	<i>HEALTH</i>
Q8.14 of LITS4	متغیر ساختگی = اگر پاسخ‌دهنده مسلمان بود ۱، در غیر این صورت ۰.	<i>MUSLIM</i>
Q4.18 of LITS4	خطرپذیری در مقیاسی از ۰ «عدم تمایل به خطرپذیری» تا ۹ «بسیار مایل به خطرپذیری»	<i>RTAKE</i>
Q8.14c of LITS4	متغیر ساختگی = اگر پاسخ‌دهنده مذهبی بود ۱، در غیر این صورت ۰.	<i>RELIGIOUS</i>
Q5.02 of LITS4	متغیر ساختگی = اگر پاسخ‌دهنده ساکن مناطق شهری بود ۱، اگر ساکن مناطق روستایی بود ۰.	<i>URBAN</i>

نام	شرح	منبع
متغیرهای کنترل برای کشورها		
<i>FUSSR</i>	متغیر ساختگی = اگر کشور محل زندگی پاسخگو عضو سابق اتحاد جماهیر شوروی بود ۱، در غیر این صورت ۰.	نظرسنجی نویسنده
<i>UNEMP</i>	درصد بیکاری کشوری که پاسخگو در آن زندگی می کند	داده های باز بانک جهانی
<i>INFL</i>	درصد تورم در کشوری که پاسخگو در آن زندگی می کند	داده های باز بانک جهانی

جدول پ ۲. تأثیر اعتماد بر ادارک اقلیمی

	<i>CLCHANGE</i> (1)	<i>CLCHANGE</i> (2)	<i>CLCHANGE</i> (3)	<i>CLCHANGE</i> (4)	<i>CLCHANGE</i> (5)	<i>CC_MAN</i> (6)	<i>CC_MAN</i> (7)	<i>CC_MAN</i> (8)	<i>CC_MAN</i> (9)	<i>CC_MAN</i> (10)
<i>GTRUST</i>	0.061*** (0.000)					0.060*** (0.000)				
<i>TRUST PRESIDENT</i>		0.063*** (0.000)					0.066*** (0.000)			
<i>TRUST_GOV</i>			0.054*** (0.000)					0.063*** (0.000)		
<i>TRUST_RGOV</i>				0.057*** (0.000)					0.059*** (0.000)	
<i>TRUST_LGOV</i>					0.062*** (0.000)					0.064*** (0.000)
<i>FEMALE</i>	-0.072*** (0.000)	-0.084*** (0.000)	-0.082*** (0.000)	-0.079*** (0.000)	-0.078*** (0.000)	-0.059*** (0.001)	-0.071*** (0.000)	-0.070*** (0.000)	-0.074*** (0.000)	-0.070*** (0.000)
<i>LNAGE</i>	0.057*** (0.001)	0.047*** (0.009)	0.055*** (0.001)	0.056*** (0.002)	0.057*** (0.001)	0.045*** (0.008)	0.029 (0.113)	0.045** (0.011)	0.050*** (0.006)	0.048*** (0.008)
<i>HIGHEDU</i>	0.130*** (0.000)	0.142*** (0.000)	0.138*** (0.000)	0.141*** (0.000)	0.139*** (0.000)	0.103*** (0.000)	0.122*** (0.000)	0.119*** (0.000)	0.120*** (0.000)	0.114*** (0.000)
<i>DHIGHEDU</i>	0.014 (0.513)	0.008 (0.708)	0.003 (0.877)	-0.000 (0.996)	0.001 (0.970)	0.013 (0.534)	0.006 (0.801)	-0.008 (0.705)	-0.002 (0.942)	-0.005 (0.826)

	<i>CLCHANGE</i>	<i>CLCHANGE</i>	<i>CLCHANGE</i>	<i>CLCHANGE</i>	<i>CLCHANGE</i>	<i>CC_MAN</i>	<i>CC_MAN</i>	<i>CC_MAN</i>	<i>CC_MAN</i>	<i>CC_MAN</i>
	(1)	(2)	(3)	(4)	(5)	(6)	(7)	(8)	(9)	(10)
<i>MHIGHEDU</i>	0.084*** (0.000)	0.082*** (0.001)	0.087*** (0.000)	0.088*** (0.000)	0.093*** (0.000)	0.053** (0.025)	0.045* (0.065)	0.061** (0.013)	0.048* (0.056)	0.059** (0.016)
<i>HEALTH</i>	0.019*** (0.008)	0.025*** (0.001)	0.026*** (0.000)	0.025*** (0.001)	0.026*** (0.000)	0.015** (0.033)	0.020*** (0.008)	0.022*** (0.003)	0.025*** (0.001)	0.025*** (0.001)
<i>MUSLIM</i>	-0.081*** (0.004)	-0.084*** (0.003)	-0.074*** (0.009)	-0.089*** (0.002)	-0.076*** (0.007)	-0.089*** (0.002)	-0.087*** (0.003)	-0.083*** (0.004)	-0.091*** (0.002)	-0.088*** (0.002)
<i>RTAKE</i>	0.006*** (0.002)	0.004** (0.046)	0.005** (0.015)	0.004** (0.040)	0.005*** (0.008)	0.008*** (0.000)	0.007*** (0.001)	0.007*** (0.000)	0.006*** (0.003)	0.007*** (0.000)
<i>RELIGIOUS</i>	0.038** (0.025)	0.051*** (0.005)	0.048*** (0.007)	0.046** (0.010)	0.041** (0.020)	0.066*** (0.000)	0.072*** (0.000)	0.071*** (0.000)	0.070*** (0.000)	0.072*** (0.000)
<i>URBAN</i>	-0.012 (0.367)	-0.009 (0.493)	-0.016 (0.243)	-0.015 (0.284)	-0.012 (0.368)	0.002 (0.865)	0.002 (0.897)	-0.007 (0.631)	-0.006 (0.673)	0.002 (0.897)
<i>FUSSR</i>	-0.594*** (0.000)	-0.614*** (0.000)	-0.605*** (0.000)	-0.583*** (0.000)	-0.599*** (0.000)	-0.262** (0.027)	-0.286** (0.016)	-0.248** (0.039)	-0.255** (0.034)	-0.255** (0.032)
<i>UNEMP</i>	0.007 (0.102)	0.007* (0.095)	0.006 (0.112)	0.007* (0.072)	0.006 (0.142)	0.010** (0.020)	0.009** (0.022)	0.009** (0.029)	0.009** (0.027)	0.009** (0.032)
<i>INFL</i>	-0.014** (0.019)	-0.011* (0.081)	-0.012* (0.053)	-0.013** (0.035)	-0.012** (0.047)	-0.010* (0.085)	-0.007 (0.262)	-0.007 (0.253)	-0.006 (0.359)	-0.007 (0.261)
Constant	3.146*** (0.000)	3.137*** (0.000)	3.129*** (0.000)	3.128*** (0.000)	3.104*** (0.000)	3.138*** (0.000)	3.134*** (0.000)	3.100*** (0.000)	3.088*** (0.000)	3.050*** (0.000)
Region FE	Yes	Yes	Yes	Yes	Yes	Yes	Yes	Yes	Yes	Yes
Year FE	Yes	Yes	Yes	Yes	Yes	Yes	Yes	Yes	Yes	Yes
Weighted by population	Yes	Yes	Yes	Yes	Yes	Yes	Yes	Yes	Yes	Yes
Observations	30670	27549	28460	27329	28327	30472	27343	28255	27135	28122
Adjusted R ²	0.103	0.103	0.100	0.101	0.101	0.106	0.112	0.108	0.109	0.108

جدول پ ۳. تأثیر اعتماد بر تمایل به پرداخت مالیات‌های محیط‌زیستی بیشتر

	<i>TAX R</i> <i>POL</i>	<i>TAX R</i> <i>POL</i>	<i>TAX R</i> <i>POL</i>	<i>TAX R</i> <i>POL</i>	<i>TAX R</i> <i>POL</i>	<i>TAX RGW</i> <i>ARM</i>	<i>TAX RGW</i> <i>ARM</i>	<i>TAX RGW</i> <i>ARM</i>	<i>TAX RGW</i> <i>ARM</i>	<i>TAX RGW</i> <i>ARM</i>
	(1)	(2)	(3)	(4)	(5)	(6)	(7)	(8)	(9)	(10)
<i>GTRUST</i>	0.048*** (0.000)					0.050*** (0.000)				
<i>TRUST_PRESI</i> <i>DENT</i>		0.096*** (0.000)					0.084*** (0.000)			
<i>TRUST_GOV</i>			0.082*** (0.000)					0.087*** (0.000)		
<i>TRUST_RGOV</i>				0.084*** (0.000)					0.089*** (0.000)	
<i>TRUST_LGOV</i>					0.079*** (0.000)					0.088*** (0.000)
<i>FEMALE</i>	0.055*** (0.002)	0.049*** (0.007)	0.055*** (0.002)	0.052*** (0.006)	0.057*** (0.002)	0.067*** (0.000)	0.067*** (0.000)	0.073*** (0.000)	0.064*** (0.001)	0.072*** (0.000)
<i>LNAGE</i>	0.038** (0.030)	0.031 (0.102)	0.036* (0.052)	0.039** (0.037)	0.036** (0.050)	0.047*** (0.010)	0.031 (0.112)	0.040** (0.038)	0.043** (0.028)	0.040** (0.035)
<i>HIGHEDU</i>	0.021 (0.160)	0.032** (0.044)	0.031* (0.052)	0.030* (0.063)	0.025 (0.116)	0.022 (0.161)	0.028* (0.093)	0.028* (0.092)	0.022 (0.185)	0.023 (0.164)
<i>DHIGHEDU</i>	0.046** (0.035)	0.035 (0.135)	0.029 (0.203)	0.029 (0.214)	0.035 (0.131)	0.067*** (0.003)	0.054** (0.025)	0.052** (0.029)	0.052** (0.034)	0.057** (0.018)
<i>MHIGHEDU</i>	0.018 (0.461)	0.018 (0.486)	0.025 (0.314)	0.025 (0.337)	0.021 (0.411)	0.022 (0.386)	0.022 (0.394)	0.025 (0.344)	0.029 (0.272)	0.022 (0.401)
<i>HEALTH</i>	0.018** (0.015)	0.019** (0.016)	0.018** (0.020)	0.018** (0.026)	0.018** (0.023)	0.020*** (0.009)	0.020** (0.015)	0.020** (0.013)	0.021** (0.012)	0.019** (0.017)

	<i>TAX R</i> <i>POL</i>	<i>TAX R</i> <i>POL</i>	<i>TAX R</i> <i>POL</i>	<i>TAX R</i> <i>POL</i>	<i>TAX R</i> <i>POL</i>	<i>TAX RGW</i> <i>ARM</i>	<i>TAX RGW</i> <i>ARM</i>	<i>TAX RGW</i> <i>ARM</i>	<i>TAX RGW</i> <i>ARM</i>	<i>TAX RGW</i> <i>ARM</i>
	(1)	(2)	(3)	(4)	(5)	(6)	(7)	(8)	(9)	(10)
<i>MUSLIM</i>	0.067** (0.021)	0.070** (0.020)	0.068** (0.023)	0.080*** (0.009)	0.068** (0.022)	0.015 (0.615)	0.006 (0.854)	0.003 (0.918)	0.014 (0.655)	0.005 (0.876)
<i>RTAKE</i>	0.005** (0.027)	0.003 (0.162)	0.004* (0.073)	0.004 (0.107)	0.004* (0.088)	0.007*** (0.002)	0.005** (0.020)	0.007*** (0.004)	0.005** (0.018)	0.006*** (0.005)
<i>RELIGIOUS</i>	0.075*** (0.000)	0.076*** (0.000)	0.083*** (0.000)	0.073*** (0.000)	0.079*** (0.000)	0.059*** (0.001)	0.063*** (0.001)	0.070*** (0.000)	0.061*** (0.002)	0.062*** (0.001)
<i>URBAN</i>	0.031** (0.023)	0.029** (0.043)	0.028** (0.047)	0.028* (0.056)	0.035** (0.014)	0.010 (0.488)	0.008 (0.609)	0.007 (0.656)	0.009 (0.544)	0.015 (0.303)
<i>FUSSR</i>	-0.003 (0.982)	-0.064 (0.602)	-0.034 (0.786)	-0.060 (0.631)	-0.032 (0.797)	-0.015 (0.908)	-0.062 (0.630)	-0.065 (0.617)	-0.055 (0.670)	-0.042 (0.745)
<i>UNEMP</i>	0.001 (0.842)	-0.000 (0.982)	-0.000 (0.910)	0.001 (0.902)	-0.000 (0.976)	-0.002 (0.602)	-0.002 (0.717)	-0.003 (0.494)	-0.002 (0.681)	-0.004 (0.328)
<i>INFL</i>	0.000 (0.996)	0.004 (0.531)	0.003 (0.605)	0.005 (0.433)	0.003 (0.675)	0.005 (0.443)	0.009 (0.161)	0.009 (0.167)	0.010 (0.128)	0.008 (0.210)
Constant	2.474*** (0.000)	2.348*** (0.000)	2.371*** (0.000)	2.341*** (0.000)	2.378*** (0.000)	2.437*** (0.000)	2.373*** (0.000)	2.332*** (0.000)	2.307*** (0.000)	2.347*** (0.000)
Region FE	Yes	Yes	Yes	Yes	Yes	Yes	Yes	Yes	Yes	Yes
Year FE	Yes	Yes	Yes	Yes	Yes	Yes	Yes	Yes	Yes	Yes
Weighted by population	Yes	Yes	Yes	Yes	Yes	Yes	Yes	Yes	Yes	Yes
Observations	31252	28030	28931	27767	28810	31252	28030	28931	27767	28810
Adjusted R ²	0.111	0.115	0.109	0.107	0.108	0.099	0.100	0.099	0.097	0.098

منابع

- Algan Y, Cahuc P. (2013). "Trust and Growth". *Annual Review of Economics*. 5: 521-549.
<https://econpapers.repec.org/scripts/redir.pf?u=http%3A%2F%2Fwww.annualreviews.org%2Fdoi%2Fabs%2F10.1146%2Fannurev-economics-081412-102108;h=repec:anr:revec:v:5:y:2013:p:521-549>.
- Bjørnskov, C. (2007). "Determinants of generalized trust: A cross-country comparison". *Public Choice*. 130: 1-21. <https://doi.org/10.1007/s11127-006-9069-1>.
- Carattini S, Baranzini A, Lalive R. (2018). "Is taxing waste a waste of time? Evidence from a supreme court decision". *Ecological Economics*. 148(C): 131-151. <https://doi.org/10.1016/j.ecolecon.2018.02.001>.
- Carattini S, Jo YJ. (2018). "Trust and cooperation in global environmental efforts: Evidence from climate change". *Ecological Economics*. 148: 64-73.
- Cologna V, Siegrist M. (2020). "The role of trust for climate change mitigation and adaptation behaviour: A meta-analysis". *Journal of Environmental Psychology*. 69. <https://doi.org/10.1016/j.jenvp.2020.101428>.
- Cologna V, Kotcher J, Mede NG, Besley J, Maibach ED, Oreskes N. (2024). "Trust in climate science and climate scientists: A narrative review". *PLOS Climate*. May 23. <https://doi.org/10.1371/journal.pclm.0000400>.
- Das TK, Teng B. (1998). "Between trust and control: Developing confidence in partner cooperation in alliances". *Academy of Management Review*. 23(3): 491-512. <https://psycnet.apa.org/doi/10.2307/259291>.
- Davidovic D, Harring N. (2024). "Exploring the cross-national variation in public support for climate policies in Europe: The role of quality of government and trust". *Energy Research & Social Science*. 70. <https://doi.org/10.1016/j.erss.2020.101785>.
- Davidovic D, Harring N, Jagers SC. (2020). "The contingent effects of environmental concern and ideology: institutional context and people's willingness to pay environmental taxes". *Environmental Politics*. 29(4): 674-696. <https://doi.org/10.1080/09644016.2019.1606882>.
- EBRD: European Bank for Reconstruction and Development. (2023). *Life in Transition Surveys IV*. <https://www.ebrd.com/home/what-we-do/office-of-the-chief-economist/lits/life-in-transition-survey-data.html>
- Fairbrother M. (2016). "Trust and public support for environmental protection in diverse national contexts". *Sociological Science*. 3: 359-382. https://sociologicalscience.com/download/vol-3/june/SocSci_v3_359to382.pdf.
- Fukuyama F. (1995). *Trust: The Social Virtues and the Creation of Prosperity*. New York, NY: Free Press.
- Goodhart C, Vu LH. (2026a). *The Personal Characteristics that Affect Trust in Government: A Global Analysis Across Regions*. CEPR Discussion Paper No. 21137. CEPR Press, Paris & London. <https://cepr.org/publications/dp21137>.
- (2026b). "Climate change mitigation actions and the access to finance paradox for firms: International evidence and implications for Vietnam". *Banking Review of State Bank of Vietnam*. <https://tapchinganhang.gov.vn/hanh-dong-giam-thieu-bien-doi-khi-hau-va-nghich-ly-tiep-can-tai-chinh-cua-doanh-nghiep-bang-chung-quoc-te-va-ham-y-cho-viet-nam-17175.html>.
- (2026c). "Macroeconomic performance and corporate climate change mitigation actions: International evidence and implications for Vietnam". *Banking Review of State Bank of Vietnam*. <https://tapchinganhang.gov.vn/hieu-qua-kinh-te-vi-mo-va-hanh-dong-giam-thieu-bien-doi-khi-hau-cua-doanh-nghiep-bang-chung-quoc-te-va-ham-y-cho-viet-nam-17069.html>.
- (2025). *Who Adapts and who Finances? Firm-Level Evidence on Climate Mitigation, Gender, and Access to Credit*. CEPR Discussion Paper No.

20645. CEPR Press, Paris & London. <https://cepr.org/publications/dp20645>.
- (2024). *Credibility, Trust, and Perception of Authorities' Performance*. VoxEU Column.
- Gulati R. (1995). "Does familiarity breed trust? The implications of repeated ties for contractual choice in alliances". *Academy of Management Journal*. 38(1): 85-112. <https://doi.org/10.2307/256729>.
- Hooghe M, Dassonneville R, Marien S. (2015). "The impact of education on the development of political trust: Results from a five-year panel study among late adolescents and young adults in Belgium". *Political Studies*. 63(1): 123-141. <https://doi.org/10.1007/s11127-006-9069-1>.
- Irwin K, Berigan N. (2013). "Trust, culture, and cooperation: A Social Dilemma Analysis of Pro-Environmental Behaviors". *The Sociological Quarterly*. 54: 424-449. <https://doi.org/10.1111/tsq.12029>.
- Jo YJ, Carattini S. (2021). "Trust and carbon mitigation". *Nature Climate Change*. 11: 812-819.
- Kaasa A, Andriani L. (2022). "Determinants of institutional trust: the role of cultural context". *Journal of Institutional Economics*. 18(1): 45-65. <https://doi.org/10.1017/S1744137421000199>.
- Knack S, Keefer P. (1997). "Does social capital have an economic payoff? A cross-country investigation". *Quarterly Journal of Economics*. 112(4): 1251-1288. <http://www.jstor.org/stable/2951271>.
- Lübke C. (2021). "Climate change mitigation and the role of social trust: A multilevel analysis of 132 countries". *Environmental Politics*. 30(5): 757-778.
- MacInnes S, Hornsey MJ, Bretter C, Pearson S, Fielding KS, Bersoff D. (2026). "Who do we trust on climate change, and why?". *Global Environmental Change*. 96. <https://doi.org/10.1016/j.gloenvcha.2025.103096>.
- Mares I, Scheve K, Toenshoff C. (2024). "Compensation, beliefs in state intervention, and support for the energy transition". *Comparative Political Studies*. https://scheve-research.org/wp-content/uploads/2024/09/german_energytransition_paper_2024.pdf.
- McMillan J, Woodruff C. (1999). "Interfirm relationships and informal credit in Vietnam". *The Quarterly Journal of Economics*. 114(4): 1285-1320. <http://www.jstor.org/stable/2586964>.
- Ostrom E. (1998). "A behavioral approach to the rational choice theory of collective action". *American Political Science Review*. 92(1): 1-22. <https://doi.org/10.2307/2585925>.
- Putnam RD. (2000). *Bowling Alone: The Collapse and Revival of American Community*. New York: Simon & Schuster.
- Rousseau DM, Sitkin SB, Burt RS, Camerer C. (1998). "Introduction to special topic forum: Not so different after all: A cross-discipline view of trust". *Academy of Management Review*. 23(3): 393-404. <https://www.jstor.org/stable/259285>.
- Uslaner EM. (2008). "Where you stand depends on where your grandparents sat". *Public Opinion Quarterly*. 72(4): 725-740. <https://doi.org/10.1093/poq/nfn058>.
- (2002). *The Moral Foundations of Trust*. Cambridge University Press.
- van der Meer T, Hakhverdian A. (2017). "Political trust as the evaluation of process and performance: A cross-national study of forty-two European democracies". *Political Studies*. 65(1): 81-102. <https://www.tomvandermeer.nl/wp-content/uploads/2021/04/16-VdMeer-Hakhverdian-Political-Studies-Political-trust-as-evaluation.pdf>.
- Vu LH, Phuong DQ. (2026). "Trust and enterprise climate change mitigation: Evidence from Vietnam". *Development and Sustainability in Economics and Finance*. 9. <https://doi.org/10.1016/j.dsef.2026.100119>.